

نبرد خلق

مرگ بر رژیم خمینی
زنده باد صلح و آزادی

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

ارگان
سازمان چریک های فدایی خلق ایران

صفحه ۱۲

دوره چهارم سال دهم - اول اردیبهشت ماه ۱۳۷۳

شماره ۱۰۷

پیام نوروزی خانم مریم رجوی رئیس جمهور دوران انتقال

خانم مریم رجوی، رئیس جمهور آینده ایران در یک پیام رادیو-تلویزیونی به مناسبت آغاز سال جدید، نوروز را به مردم ایران تبریک گفت. خانم رجوی طی مرور کوتاهی بر دستاوردهای سال گذشته مقاومت از جمله گسترش شورای ملی مقاومت، محکومیت های بین المللی رژیم ملایان به خصوص در مجمع ملل متحد و گسترش حرکت های اعتراضی مردم به ویژه در زاهدان، سال ۷۲ را سال پیروزی و پیشرفت برای مقاومت ایران و سال شکست و بن بست برای رژیم خمینی توصیف کرد.

سالگرد شهادت محمد حسین نقدی

در ۲۵ اسفند ۷۲، به مناسبت اولین سالگرد شهادت محمد حسین نقدی، عضو شورای ملی مقاومت، مراسم بزرگداشتی از طرف شورای ملی مقاومت و همسر وی، خانم فرمینیا مورونی - نقدی، بر سر مزار او در گورستان تستاجو شهرم برگزار شد.

در این مراسم آقایان دکتر منوچهر هزارخانی، دکتر صالح رجوی، هدایت الله متین دفتری و خانم مریم متین دفتری، مسئولین کمیسیون های شورای ملی مقاومت و آقایان محسن رضایی دبیر ارشد شورا، محسن نادری نماینده شورا در ایتالیا، رضا اولیا نقاش و مجسمه ساز مشهور ایرانی و شمار دیگری از اعضا و هواداران شورای ملی مقاومت و سازمان های عضو شورا حضور داشتند.

ده روزی که مکزیک را لوزاند

در صفحه ۹

... کمبود نقدینگی
... آمار مربوط به مکان های مذهبی
... جنس های بنجل
... رابطه با آمریکا
... ساف عملیات حماس را محکوم کرد

اول ماه مه روز جهانی کارگران گرامی باد

در آستانه اول ماه مه، روز جهانی کارگران، به کارگران مقاوم ایران که زیر فشار و سرکوب رژیم ولایت فقیه و سیاست های ضد کارگری این رژیم مقاومت می کنند، درود می فرستیم. بدون شک دوران ننگین حکومت آخوندها، یکی از سخت ترین دوران برای کارگران ایران است و ابعاد فشار و سرکوب بر کارگران و زحمتکشان ایران هر روز ابعاد وسیع تری یافته است. سال گذشته، اما اوج فشار و تعرض به کارگران ایران بود. سیاست های اقتصادی دولت رفسنجانی تحت عنوان «تعدیل اقتصادی» در رابطه با کارگران و مزدبگیران کشور ما تحت عنوان «تعدیل نیروی انسانی» با اخراج هر چه بیشتر کارگران محروم و ستمدیده کشورما، با تهاجم همه جانبه به سطح معیشت و زندگی آنان و با خانه خراب کردن هر چه بیشتر کارگران ایران همراه بود.

در صفحه ۲

مراسم جشن نوروزی در پاریس

در صفحه ۱۲

آید آن عید....

اسماعیل وفا یغمایی

در صفحه ۴

انتخابات مجلس ایتالیا

در صفحه ۹

ما در یک معبر باریک قرار داریم
مصاحبه با اسحاق رابین

در صفحه ۷

اکثریت: از تمکین در برنامه تا چراغ سبز به تروریسم

منصور امان

بوده است. اما جنایت «میکونوس» به حاملین این دیدگاه جایگاه دیگری بخشیده و آنان را از یک جبهه رفرمیستی و سازشکار به یک باند توطئه گر، بندوبست چی و در نهایت فوق العاده مشکوک تنزل می دهد. این رسوایی سیاسی که اعضای رهبری شبکه مذکور در ارتباط با یک جنایت تروریستی به دادگاه فراخوانده می شوند، به تماس های خود با مقامات دون پایه ساواک آخوندی اعتراف می کند و زیرکانه در مورد چگونگی لورفتن زمان و محل جلسه با انگشت اتهام به این سو و آن سو اشاره می کند. حداقل تاکنون در کشور ما بی نظیر بوده است.

در صفحه ۵

دادگاه برلین به نقطه عطفی در رویارویی اپوزیسیون و رژیم تبدیل گشته است. نه فقط به دلیل آن که بالاخره دستگاه قضایی آلمان برای اولین بار با تردید و احتیاط تصمیم به محاکمه تروریست ها گرفته بلکه نیز از این جهت که به موازات آن ناخواسته و به ناگزیر تریبون دیگری را هم علیه عاملان و مجریان حظ استحاله گشوده است. این که «اکثریت» و شرکاء و افراد دیگری که متواضعانه! به خود تیتیر «ملی گرا» اهداء کرده اند تا چه حد بر خلاف مسافع مردم و بدبختی ترین خواسته های شان گام برداشته و می دارند تا به حال موضوعی در حیطه نقد و افشاء سیاسی

در این شماره:

... کردستان ایران
... نوروز
... پیرویی آخوند رفسنجانی

* اخبار و رویدادها...
... شورای ملی مقاومت

اکثریت: از تمکین در برنامه تا چراغ سبز به تروریسم

از صفحه ۶

در «خط امام» و اکنون خزیدن به زیر عمای رفسنجانی و ادار می کند.

نقش نیروهایی مانند «اکثریت» در معادلات سیاسی، دقیقاً به میزان بهره‌ای که وجودشان به فرادستان می‌رساند بستگی دارد. در سال ۶۲ صف‌بندی‌های درون و خارج جبهه مردم و حکومت آنچنان تعمیق یافته بود که اساساً هیچ نیروی ذو حیاتی در کادر آن نمی‌گنجد و در همین راستا «اکثریت» نقش خود بعنوان عامل شکاف و تضعیف جبهه خلق و بخشوش کننده مرزبندی‌ها را از دست داد و رژیم ملاحها او را همچون دستمالی چرکین به صوف ایورسوس پرتاب کرد. طغیان بار سکین نتایج فاجعه بار این سیاست را می‌بایست کسانی حمل می‌کردند که به نژادهای «تسخیر دژ از درون»، و «راه رشد غیر سرمایه‌داری» ایمان آورده بودند و ناباورانه به زندان و تیرک دار سپرده می‌شدند. و گرنه رهبرانی که مسئولیت متلاشی کردن بزرگترین نیروی سیاسی چپ تاریخ ایران و تسلیم کتف بسته بخش مهمی از آن به خونریزترین حکومت معاصر را بعهده داشتند، صحیح و سالم سراز اروپا درآورده و دوباره به کوفتن همان طبل سابق اما این بار با نوا و وظایف جدیدتر پرداختند.

اکنون آن‌ها با به دم تیغ دادن پناهندگان می‌خواهند از رژیم دلبری کنند، می‌خواهند با پراکندن روحیه یأس و ناامیدی در میان ایرانیان خارج از کشور، یک قطب فعال مخالف را از کار انداخته یا حداقل حتی کنند و خار وجود ۳ میلیون آواره را که در صد مهمی از آن‌ها مخالفان بالقوه یا بالفعل استبداد حاکم هستند، از چشم آخوندها بیرون بیاورند، آنان صفحات نشربه خود را با نابلوه‌های نئون «مذاکره علمی» می‌انسانند اما تنها از تریبون دادگاه محلی برلین حاضر به ادای توضیح در این باره هستند و سر آخر برای گرانتر فروختن خود به رژیم، به محامدین پیشهاد مذاکره در هرجا، هروقت و دربار هر موضوعی که بخواهند می‌کند، در حالی که برای آزوده نجاتن خاطر ملاحها، موضوع اتحاد و همیاری حتی با چند دارودسته‌یی از قماش خود را نیز مسکوت گذاشته‌اند.

گونه می‌گوید: «بی‌پرسیی اغلب سرانجام به ورشکستگی ختم می‌شود». آن چه که امروز ما شاهد آن هستیم ورشکستگی تاریخی و مطلق کرابشی انحرافی است که سیاست را نه تدبیر امور که تحریف آن معنا می‌کند. افسانه امکان دگرگونی تدریجی دیکتاتوری‌های تک سلولی از قبیل رژیم «ولایت فقیه» همانقدر غیر واقعی است که وجود مؤثر یک جریان رفرمیست در چارچوب آن، «اکثریت» در هر دو مورد دروغ می‌گوید، به تاریخ بنگرید.

فروردین ۷۳

اول ماه مه روز جهانی کارگران گرامی باد

از صفحه ۱

مسلماً این مبارزه را تا سرنگونی رژیم ضد کارگری ولایت فقیه ادامه خواهند داد.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران در آستانه اول ماه مه، روز جهانی کارگران، با درود به همه‌ی کارگرانی که در سال گذشته بخاطر مبارزه علیه رژیم آخوندها دستگیر و زندانی شده‌اند، از کارگران پیشرو و آگاه ایران دعوت می‌کند که برای گسترش مبارزه علیه رژیم به ایجاد هسته‌های مخفی کارگری مبارز و وزبیده تا با گسترش جنبش اعتراضی کارگران، پیوند هرچه بیشتری بین جنبش کارگری و جنبش مسلحانه انقلابی ایجاد شود.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران از هموطنان مبارز در خارج کشور دعوت می‌کند که در جهت افشاء چهره ضدکارگری و ضدانسانی رژیم آخوندی در سطح بین‌المللی و برای حمایت از مبارزه کارگران ایران برای کسب حقوق مسلم خود، برای کسب حق ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری، برای حق کار، برای حق بیمه بیکاری، برای رعایت کنوانسیون‌های بین‌المللی و حقوق بشر در مورد کارگران ایران، با شورای ملی مقاومت ایران همکاری کنند.

تردید نیست که جنبش مقاومت ایران رژیم ارتجاعی ولایت فقیه را سرنگون خواهد کرد. در این مبارزه کارگران ایران می‌توانند نقش مهمی در امرهایی مردم ایران بعهده بگیرند. کارگران ایران با سرنگونی رژیم آخوندی و در ایرانی آزاد، مستقل و دموکراتیک، خواهند توانست به ایجاد تشکل‌های مستقل و سراسری کارگری که تمام کارگران، مستقل از جنس، نژاد، مذهب و ملیت را در خود متشکل کند، مبارزت ورزند. برای تحقق چنین شرایطی، جنبش کارگری با گام‌های استوار پیش خواهد رفت.

در سال گذشته، همچون سال‌های قبل کارگران ایران از حق تشکل آزادانه و مستقل از رژیم و مزدوران آن محروم بودند. سرکردگان رژیم ضد کارگری ولایت فقیه در سال گذشته تلاش کردند تا آن میزان ناچیز حقوقی که کارگران در مبارزه خود بدست آورده بودند را نیز از آنان سلب کنند. فشار بر کارگران و تهاجم به سطح زندگی و معیشت کارگران آنقدر آشکار بود که کمالی وزیر کار رژیم که تنها ماموریتش خاموش کردن شعله خشم کارگران است گفت: «در شرایط اقتصادی کنونی حداقل سد هزبه مصرفی بالغ بر ۴۲۰ هزار ریال است و در حالی که حداقل دستمزد کارگران بین ۱۱۰ تا ۱۳۰ هزار ریال برآورد می‌شود»، (رسالت ۳۰ بهمن ۷۲).

در چنین شرایطی نعمت زاده وزیر صنایع رژیم می‌گوید: «باید به واحدها اجازه داده شود که از طریق کاهش نیروی انسانی، قیمت تمام شده را کاهش دهند»، (رسالت ۲/۲ اذر ۷۲) و در عمل نیز با کمک وزارت کار رژیم تعداد کثیری از کارگران ایران از کار اخراج شده‌اند. در این رابطه کمالی وزیر ضد کارگر رژیم اعتراف می‌کند: «تاکنون حدود ۹۰ هزار پرونده کارگران اخراجی مورد بررسی قرار گرفته که از این تعداد رای ۷۲ هزار پرونده به نفع کارفرمایان صادر شده است»، (رسالت ۳۰ بهمن ۷۲).

در سال گذشته کارگران و مزدبگیران ایران در مقابل انواع فشارها و سرکوب‌ها، در مقابل اخراج‌ها و تاخیر در پرداخت حقوق‌هایشان، به اشکال مختلف به مبارزه اعتراضی و اعتصابی دست زدند. کارگران بسیاری از واحدهای صنعتی بزرگ کشور در سال گذشته با مقاومت یکپارچه و با اعتراض و اعتصاب جمعی خود، در مقابل سرکوب و فشار رژیم ایستادگی نمودند. و

آمار مربوط به مکان‌های مذهبی

مذهبی در سال ۱۳۶۸ حدود ۱۷۴ هزار نفر شاغل بوده‌اند که ۵۵/۹ درصد آن‌ها باسواد و ۴۴/۱ درصد بی‌سواد بوده‌اند. بررسی سطح سواد شاغلان باسواد در اماکن خدمات ارشادی - مذهبی نشان می‌دهد که ۳/۲ درصد دارای لیسانس و بالاتر، ۴/۹ درصد دارای فوق دیپلم، ۱۶/۶ درصد دارای دیپلم و ۷۵/۳ درصد کمتر از دیپلم می‌باشند.

در سال ۱۳۶۸ در اماکن ارشادی - مذهبی ۳۰/۴ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری شده است که ۷۹/۳ درصد آن مربوط به «ساختمان و زمین»، ۱۱/۴ درصد مربوط به «ماشین آلات، ابزار و وسایل کار با دوام»، ۸/۴ درصد مربوط به «لوازم و تجهیزات اداری» و ۰/۹ درصد مربوط به «وسایل نقلیه» بوده است.

روبرنامه کیهان در شماره ۱۰/اسفند/۷۲ خود براساس سرشماری مرکز آمار در ایران، آمار زیر را منتشر نموده است:

«نتایج طرح آمارگیری از اماکن خدمات ارشادی - مذهبی نشان می‌دهد که در سال ۱۳۶۸ حدود ۶۹ هزار مکان خدمات ارشادی - مذهبی در کل کشور به فعالیت اشتغال داشته‌اند که از این تعداد ۷۷/۳ درصد مربوط به مساجد، ۱۱/۲ درصد مربوط به حسینیه‌ها و تکیه‌های ثابت، ۱۰ درصد مربوط به امام‌زاده‌ها و زیارتگاه‌ها و ۱/۵ درصد مربوط به سایر اماکن مذهبی بوده‌اند.

نتایج این آمارگیری نشان می‌دهد که ۹۳/۴ درصد اماکن ارشادی - مذهبی دارای مدیریت خصوصی و ۶/۶ درصد آن‌ها دارای مدیریت عمومی بوده‌اند. در اماکن ارشادی -

اخبار و رویدادها

از صفحه ۱۲

کردستان ایران

صبح روز سه شنبه ۲۴ اسفندماه، آقای جلال حسینی از کادرهای حزب دمکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی، در شهر سلیمانیه عراق توسط تروریست‌های رژیم صیدبشری آخوندی ترور گردید. آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ضمن محکوم کردن این جنایت تروریستی که دیکتاتوری تروریستی - مذهبی حاکم از سردرماندگی در برابر بحران‌های لاینحل خود به آن متوسل می‌شود، تاکید نمود. سرکوب و تروریسم ذاتی رژیم قرون وسطایی آخوندی است و تنها با سرنگونی این رژیم از طریق مبارزه مسلحانه پایان می‌یابد و بی‌تردید ارتش آزادیبخش ملی ایران حکومت آخوندی را سرنگون می‌کند و دژحکمان حاکم بر ایران قطعاً حساب همه این جنایات و خونریزی‌ها را پس خواهند داد.

رادیبو کومه در برنامه روز ۱۳ فروردین امسال اعلام نمود که: «ساعت ۶ بعد از ظهر روز سه شنبه ۹ فروردین، رشاد کریمی پیشمرکه فعال کومه و عضو حزب کمونیست ایران در شهر سلیمانیه کردستان عراق، مورد حمله چند تروریست مزدور جمهوری اسلامی قرار گرفت و جان خود را از دست داد. ترور رشاد، ترور مخالفان سیاسی، تشکیل شبکه جاسوسی و حملات موشکی به نیروهای اپوزیسیون در عمق خاک کردستان، گوشه کوچکی از عملکرد و کارنامه رژیم در کردستان عراق می‌باشد.»

رادیبو کومه در ادامه همین برنامه در تحلیل دلایل رژیم برای اینگونه ترورها می‌گوید: «اما این نه نشانه قدرت آن، بلکه نشانه درماندگی سیاسی و اوج وحشت این رژیم از گسترش فعالیت انقلابی است. ما قول می‌دهیم که این اعمال جمهوری اسلامی را بی‌جواب نخواهیم گذاشته.»

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران ضمن محکوم نمودن این اقدام جنایتکارانه رژیم آخوندی شهادت رشاد کریمی را به دوستان و خانواده او تسلیت می‌گوید.

اتحاد انقلابیون خلق کردستان در یک اطلاعیه به تاریخ ۲۹ اسفند ۷۲ خبردرگیری بین پیشمرگان این سازمان با مزدوران رژیم آخوندی را منتشر نمود. براساس این اطلاعیه در این عملیات که در شهر اشونیه و اطراف آن صورت گرفته، صدها مزدور رژیم به هلاکت رسیده و ۳۰ تن از پیشمرگان اتحاد انقلابیون خلق کردستان به شهادت رسیدند.

خانم میتران و مسئله کردها

رویترا ۷۳/۱/۹ - روز سه شنبه دانیل میتران، همسر رئیس جمهور فرانسه و برنده جایزه صلح نوبل خواستار (دخالت) نماینده ملل متحد برای بررسی محصمه کردها در ترکیه شد. میتران به همراه بتی ویلیامز، برنده جایزه صلح در سال ۱۹۷۶ از ایرلند شمالی، که این درخواست را قرائت کرد با پطروس عالی دبیرکل دیدار کردند. ویلیامز گفت جامعه جهانی سال‌ها شرایط غیرقابل تحمل کردها در ترکیه، ایران و عراق را نادیده گرفته و فقط بعد از حمله حلب (فارس) در سال ۱۹۹۱ وی‌کی که کردهای عراقی از ارتش صدام حسین گریختند، به آنان توجه نمود.

ایران و آمریکا

رادیبو فرانسه ۷۳/۱/۱ - حاصه‌ای روز دوشنبه پیشنهادات بحث را که توسط مسئولین امریکایی اخیراً به ایران داده شده رد کرد و آن را یک فریب شیطانی نامید. وی اضافه کرد ایالات متحده شرایطی را برای برقراری رابطه با ایران می‌گذارد و خواستار آن است که ملت ایران از اصولش و بخصوص امتناع از هرگونه مداخله ملل تجاوزگر در امور داخلی، دست بردارد.

این اولین عکس‌العمل رسمی ایران به اظهارات مشاور پرزیدنت بیل کلینتون در امور امنیت ملی آقای آنتونی لیک و معاون وزیر امور خارجه و مسئول خاورمیانه ربرت پلترد که در اوائل مارس گفته بودند که واشنگتن آماده دیالوگ با ایران است و واقیبت جمهوری اسلامی را می‌پذیرد، می‌باشد.

جنس‌های بنجل

د مسکو برسر معامله ۵۰۰ میلیون دلاری فروش دو زیر دریایی به نیروی دریایی ایران دچار دردسر شده است. منابع اطلاعاتی غربی گزارش می‌دهد که ایرانیان معایب بسیار جدی در سیستم الکترونیک و رادار زیردریایی‌ها کشف کرده‌اند. در اقدامی که یکی از زیردریایی‌ها برای بالا آمدن بر سطح آب کرد. این معایب سبب مصیبت بزرگی شد. ایرانیان بسیار حشمتین هستند و به همین جهت آن‌ها در پذیرش زیردریایی سوم تاخیر به خرج دادند. و در نتیجه آن را برای دریافت کمک‌های تکنیکی و نگهداری به هندوستان بازگرداندند. همچنین انتظار می‌رود که آن‌ها از مسکو تقاضای غرامت بنمایند. عوامل پنتاگون همچنان در نگرانی بسر می‌برند، زیرا گمان می‌رود که زیردریایی‌ها قادر به مین‌گذاری در خلیج فارس هستند.

هفته نامه «اخبار امریکا و گزارش‌های جهان» ۲۱/مارس/۹۴ ۷۳/۱/۱

پر رویی آخوند رفسنجانی

رفسنجانی در پیام نوروزی خود، دروغ‌های بسیار سرهم بندی کرد. در زمینه اقتصادی در حالی که رژیم با یک بحران عمیق روبروست، رفسنجانی از گسترش «صادرات کشور» حرف زد. او در ریمه صادرات غیرنفتی گفت: «در مسایل مربوط به تجارت و حضور در صحنه‌های جهانی صادرات کشور تقریباً در این مدت چهار برابر شده است و اگر همین حرکت در برنامه دوم ادامه پیدا کند، می‌تواند ما را تا حدود زیادی از درآمدهای نفتی مستغنی کند که واقعاً گام‌های مؤثر بوده و انشاءالله بعداً نیز خواهد بود.» (ابرار ۷۳/۱/۶). رفسنجانی برای ثابت کردن حرف خود اصلاً خود را موظف به ارائه آمار و ارقام نمی‌داند و ضمناً حرف زدن در مورد صادرات بدون این‌که واردات این مدت را نیز تعیین کند، شیوه آخوند پهلویی مثل رفسنجانی است. رفسنجانی از استفاده از «منابع کشور» که در واقع به یغما دادن ثروت ملی مردم ایرانست حرف می‌زند و می‌گوید: «در استفاده از منابع کشور، معادن را فعال و صنایع مادر را تقویت کردیم. ما امروز صادر کننده پولاد، مس و آلومینیوم، سه ماده اصلی صنایع دنیا هستیم و در کشور هیچ کمبودی نداریم و می‌توانیم این حرکت را به خوبی در برنامه دوم ادامه دهیم.» (ابرار ۷۳/۱/۶)

رفسنجانی البته می‌تواند استفاده از منابع نفت را هم به بیلان خود اضافه کند و تاراج ثروت‌های ملی را به جای پیشرفت جا بزند. اما همگان می‌دانند که صدور مواد معدنی فروش منابع کشور، ربطی به پیشرفت صنعتی ندارد.

کمبود نقدینگی

خبرگزاری رویتر در تاریخ ۲۳/فروردین ۷۳ گزارشی از تهران در باره گفته‌های محمد هادی نژادحسینیان وزیر صنایع سنگین رژیم که گفته است ۸۸ درصد کارخانه‌های وابسته به این وزارت‌خانه با کمبود نقدینگی روبرو هستند، بحث نمود. در بخشی از این گزارش آمده است که: «۸۴ درصد شرکت‌ها از فروش صفری کم رنج می‌برند. در نیمی از موارد مشکلات، ریشه در ناتوانی در رقابت علیه واردات داشته و در نیم دیگر قدرت خرید نازل مصرف کننده دلیل مشکلات است.» نژاد حسینیان اضافه نمود که: «به این بخش برای ماشین‌الات و واردات مواد اولیه در ۵ سال گذشته ۳۱/۴ میلیارد ارز خارجی اختصاص یافته است که از آنچه برنامه‌ریزی شده بود، ۲/۳ میلیارد دلار کمتر بود.» وی در مورد برنامه سال ۷۳ گفته است: «در سالی که در راه است بر کنترل کیفیت، کاهش هزینه و فرم ساختار نیروی انسانی و فروش شرکت‌های دولتی تمرکز داده خواهد شد.»

مصاحبه با هنرمند برجسته خانم الهه

رادیو امریکا در برنامه روز ۲۱ فروردین ۷۳، مصاحبه‌ای با هنرمند برجسته خانم الهه انجام داده است. مصاحبه پس از اجرای برنامه خانم الهه در لس‌آنجلس انجام گرفته و متن کامل آن به قرار زیر است:

خانم الهه تجربه تازه‌ای براتون بود یا نبود؟
 الهه: بسیار زیبا بود. این گروه متخصصین و پژوهشگران اروپا و امریکا از ما دعوتی کردند ولی می‌جویم بگم من در این ۱۶ سالی که در غربت بودم، کسرت‌هایی به این زیبایی، به این مرتبی، واقعاً نمی‌تونم بگم، بسیار زیبا و عالی (بود).

س: هیچ تصور کردید ایرانی‌هایی که کمتر با گروه پژوهشگران و متخصصین در تماس هستند چه در امریکا و در اروپا، و چه در ایران برنامه برای اونها پخش میشه، تعجب می‌کنند یا تصور می‌کنند که الهه برای این گروه برنامه اجرا بکنه.

الهه: چرا که نه، این قدم اوله که از ما دعوت کردند، امیدوارم این همکاری ادامه داشته باشه و آن‌ها بتونند، موسیقی ما رو از ناسامانی نجات بدن.

س: دلیل اینکه شما پذیرفتید این دعوت رو همین بودم.

الهه: دلیلی نمی‌خواهد، برای اینکه ایرانی از من دعوت کردند من براشون خوندم، ایرانید، کار من هم خوندم، این‌ها حتمی تشخیص دادند که منو دعوت کردند و من ازشون متشکرم که یاد من کردند و باز هم متشکرم، باز هم زبانم قاصره که این برنامه‌ها به این زیبایی را انجام دادند.

آید آن عید....

— اسماعیل وفا یغمایی

آید آن عید که ای خاک قراری گیری
 بعد این مایه خزان، رو به بهاری گیری
 آید آن عید که ای لولی افسرده‌ی شهر
 دفزنی مست و به کف جنگی و تازی گیری
 آید آن عید که در شهر کهنسال زنو
 خنده زن، رقص کنان، دست نگاری گیری*
 آید آن عید که از آینه با گریه شوق
 — تا نگاهی به رخ خویش — عباری گیری
 آید آن عید که ای پیرترین پیچک شهر
 باز از شبنم و گل برگی و باری گیری
 آید آن عید که ای ماه درآیی زخوت
 گرد این میهن پر مهر مداری گیری
 آید آن عید که ای مرز گهرخیز، ایران!
 به رهی تازه، ره لیل و نهاری گیری
 آید آن عید که با آتش شادی و خرد
 به سیاهی غم و جهل، شراری دیگری
 آید آن عید (وفا) تا که زلبخند وطن
 شعر خود را تو ز امید عیاری گیری
 اسفند ۷۱

* رقص بر شعر ترنواله نی خوش باشد
 خاصه رقصی که در آن دست نگاری گیرند
 حافظ

خانه از پای بند ویران است

مزدکی -
 خبرگزاری‌ها اعلام کردند که خامنه‌ای به مناسبت عید فطر و نوروز ۲۷۷۸ محکوم را عفو کرد. از این تعداد ۱۰۲ نفر از محکومین دادگاه ویژه روحانیت بودند. اگر تعداد آخوندها را دویست هزار نفر حساب کنیم و جمعیت کشور را بر اساس تخمین‌های آماری ۶۳ میلیون نفر و فرض را بر این بگذاریم که پنجاه درصد از کل جمعیت کشور در سن مسئولیت جزایی نیستند به این نتیجه می‌رسیم که تعداد آخوندها که حدود سه در هزار کل جمعیت ایران است در زمان عفو از سهمیه ۴ درصد عفوشدگان بهره‌مند شده‌اند به عبارت دیگر از هر صد هزار ایرانی در سن مسئولیت جزایی نه نفر محکومینی هستند که عفو شده‌اند در مورد آخوندها این رقم ۵۱ نفر است. این ارقام نشان دهنده آنست که اختلافات و فساد سرپای دستگاه روحانیت را دربر گرفته و خود بهترین نمایانگر حجم سرکوب درون هیأت حاکمه است. آشفته حالی خطرات به جایی رسیده که عناصر تشکیل دهنده قدرت ملایان شش برابر مردم عادی مرتکب اعمالی می‌گردند که رژیم آن‌را جرم و قابل مجازات و بالاخره مخالف مصالح نظام تلقی می‌کند. خرننگ در گل مانده است و ملایان بر سر شاخ نشسته اند و ناگزیرند ریشه خود را بزنند.

۳/ فروردین ۷۳

بیکار سازی، تعطیل مراکز صنعتی و رشوه خواری

روزنامه رسالت در شماره ۲۳ فروردین امسال گزارشی از مجلس ارتجاع درج نموده است. در این گزارش حبیبی نماینده خواف و رشتخوار می‌گوید:
 «با کمال تاسف باید بگویم در برخی از قسمت‌ها توقف و عقب‌گرد هم شروع شده به عنوان نمونه کاربزرگی نظیر معادن سنگ آهن سنگان خواف، باذخیره ۳۲۳ میلیون تن با متوسط عیار آهن ۵۰ درصد به حال تعطیل درآمده است و ۲۵۰ نفر کارگران آنجا در حال بلا تکلیفی بسر می‌برند و این نیز بر تعداد بیکاران منطقه افزوده می‌شود. وی در ادامه افزود: به برنامه‌های راهسازی توجه کافی نمی‌شود بطوری که در اواخر اسفندماه در جاده تربت حیدریه به رشتخوار به علت نبودن پل بر روی رودخانه بر اثر جاری شدن سیل ۸ نفر جان خود را از دست دادند. عیبی مقدمی زاد نماینده شادگان در قسمتی از سخنان خود گفت: متأسفانه در بعضی از ادارات و مؤسسات کارشناسی، کم‌کاری، رشوه‌خواری روز بروز بیشتر شده که اینگونه اعمال خلاف موجب بدبینی و نگرانی و ناراحتی مردم ایتارگر می‌شود. تقاضا دارم که با متخلفین برخورد جدی و قاطع شود. محسن کوهکن نماینده لنجان (زربن شهر) و مبارکه گفت: مدتی است که در استان اصفهان شاهد بعضی

رابطه با امریکا

رادیو اسرائیل ۷۳/۱/۱۸ گزارشی در مورد رابطه با امریکا و عکس‌العمل بعضی از سران رژیم پخش نمود. در این گزارش آمده است که: «آیت‌الله آذری قمی گفت: دوباره در میان مسئولان حکومت اسلامی نغمه‌هایی درباره لزوم برقراری روابط سیاسی با ایالات متحده شنیده می‌شود. در مصاحبه‌ای که در شماره امروز روزنامه سلام انتشار یافت، آیت‌الله آذری قمی گفت: چنین نغمه‌هایی نتیجه بی‌سلیکی بعضی از مسئولان می‌باشد. آذری قمی دوباره نزدیکی به ایالات متحده را کاملاً مردود دانست. در مصاحبه‌ای که در شماره امروز روزنامه سلام انتشار یافت، آیت‌الله موسوی اردبیلی نیز با از سرگیری روابط با ایالات متحده مخالفت ورزید و گفت مسلمانان جهان اگر در پی حفظ استقلال خودشان هستند، جز مبارزه با امریکا راهی ندارند.»

از مسافرت‌های خارج از کشور افرادی می‌باشیم که خود می‌بایست نصیحت کننده دیگران برای مراعات امور اقتصادی مسلمین باشند. امیدوار هستم این مسافرت‌ها صرفاً تفریحی نباشد و خدا نکند میزبان بعضی از مسافرت‌ها مراکز و مدیریت‌های صنعتی منطقه باشند.»

اکثریت: از تمکین در برنامه تا چراغ سبز به تروریسم

از صفحه ۱

انکار و واکنش عزآلود «اکثریت» پس از برداشته شدن ماسک «اندیشه نوین» و آشکار گردیدن چگونگی «متمدن» شدنش، بیانگر هراس بود و نبود جریان‌یست که از یک سو تا کردن در باثلاق نزدیکی به دشمنان مردم فرو رفته و از سوی دیگر کماکان به جای ادای توضیح - حداقل به هوادارانش - ناشیانه و ناپی‌پرنسیبی محض مانور می‌دهد. «اکثریت» پس از «میکونوس» در حالی از مبارزه مشترک، علیه تروریسم رژیم داد سخن می‌دهد که خود با طرح بحث‌های انحرافی‌ای همچون «بازگشت ایرانیان»، «وفاق ملی»، «دیالوگ» و امثالهم به مؤثرترین صورت ممکن فرصت، رهنه و فضای لازم برای اقدامات تروریستی از سطح صدور چند اعلامیه و تشکیل گاه و بیگاه جلسه گفت و شنود در باره آن فراتر نمی‌رود. و تازه خود این فعالیت‌ها! به استناد خط و مشی برنامه رسمی او تنها رنگ و لعابی برای پوشاندن سیاست اصلی‌ست که زیرمیزی به پیش برده می‌شود و هدف آن بازگشت به دوران ماه عسل ۵۹ تا ۶۲ می‌باشد. اشتباه نشود. هیچکس متوقع نیست که «اکثریت» شمشیر را از رو بپندد و به جنگ جوخه‌های مرگ ملاها برود، مسئله این است که ترورهای سیاسی در خارج از کشور نه یک پدیده انتزاعی و محصول اقدامات نسجیده تندروهای چوب لای چرخ کن بلکه سیاستی تدوین شده با اهدافی معین و نتایجی حساب شده از سوی مجموعه رژیم ولایت فقیه است. گرفتن پیام این جنایت‌ها با توجه به کارنامه پانزده ساله حکومت جهل و تبااهی ابداً دشوار نیست. به روشن‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم: این رژیم ضعیف‌ترین نعمه‌ی مخالف، حتی اگر از دوردست‌ترین کشور اروپایی یا آمریکایی به گوش برسد را تحمل نمی‌کند، این رژیم به هیچ عنوان خواهان مصالحه با مخالفین نیست و تنها از محررای اسلحه به طرف‌های مذاکره‌اش می‌نگرد و از همه مهمتر این رژیم هیچ راه‌حلی جز افزایش سرکوب در تمام وجوه قابل تصور، برای حفظ وضعیت موجود ندارد. نا نوحه به این واقعات، اولین گام جدی برای مبارزه با تروریسم، مرزبندی قاطع، روشن و بدون اما و اگر با عاملان آن است. استیک سیاست فعال ضد تروریستی بیش از هر چیز ابتدا سیاستی ضد رژیم و کلبه دسته‌بندی‌های تشکیل دهنده آن می‌باشد تا کانال‌های نفوذ ایادی تفکک به دست ملاها از همان آغاز مسدود گردد. «اکثریت» اگر واقعاً و صادقانه خواهان «مبارزه» با تروریسم می‌بود، از «بازگشت ایرانیان» بخاطر آن که گویا فضای داخل با انتشار چند نشریه ادبی تغییر کرده، دم نمی‌زد. کیت که امروز نداند چگونه ماموران امنیتی رژیم مراجعین را تخلیه اطلاعاتی کرده یا تعداد زیادی از آنان و

خانواده‌هایشان را برای جلب همکاری تحت فشار گذاشته‌اند. هر گاه این جریان برآستی قصد حمایت از فعالین سیاسی خارج از کشور در مقابل قائلین اعزامی حکومت را می‌داشت، آشتی و «وفاق ملی» با سرکرده‌های آنان را جزو برنامه‌های اعلام شده خود و «دیالوگ» پنهانی را در بخش اعلام نشده آن نمی‌گنجانند. گناه عمل لورفته را متوجه «فعالین سابق» کردن فقط یخمه‌های سیاسی را قانع می‌کند، مگر این که «اکثریت» ادعا کند حظ و برنامه و نشریه‌اش را هم آن‌ها تدوین کرده و می‌نویسد! اما برای دکتر شرفکندی و یارانش این که «اکثریت» مستقماً به «دفتر ریاست جمهوری» وصل بوده یا این که «فعالین سابق» یک حامل بوده‌اند اکنون دیگر هیچ فرقی نمی‌کند. آن‌ها قربانی جایتی شده‌اند که جریان مذکور در پدید آمدن آن - حداقل از زاویه شرایط سیاسی - سهم بزرگی داشته است. از طرف دیگر با بی‌واسطه بودن ارتباط با رژیم از کرامت ضد انقلابی آن نمی‌زداید «کمی مرگ» وجود ندارد! «اکثریت» با نفس ارتکاب این امر نشان داد که بر خلاف تعارفات خرده بورژوازی و بی‌محتوای مندرج در نشریه‌اش نه تنها علاقه‌ای به تحول دموکراتیک در کشورمان ندارد بلکه در نهایت جدیت و با تمام وسایل ممکن به کارشکنی در به انجام رسیدن این روند ناگزیر پرداخته است. مصوبات کنگره‌های دوم و سوم این جریان خود بارزترین گواه بر صحت این مدعا محسوب می‌شوند و نیز ثابت می‌کنند که چگونه «اکثریت» گام به گام به معیارهای ارتجاعی رژیم برای به رسمیت شناسی «حیات خوار و خیف و خانان» جریان‌های شیبه او نزدیک می‌شود. در کنگره دوم این جریان که در مرداد ۷۲ برگزار گردید «اکثریت» ابتدا موقعیت رفسنجانی در زمینه بهبود مناسبات با آمریکا و گسترش آن با اروپا و ژاپن را در ماه‌های آتی، خوشبینانه ارزیابی می‌کند و ثبات گرفتن رژیم را اینگونه توضیح می‌دهد:

«گسترش مناسبات با غرب که با صدور سرمایه و کالا همراه است، می‌تواند در اقتصاد ایران تحولاتی پدید آورد و امکانات تازدهای در اختیار رژیم جمهوری اسلامی در مقابله با بحران عمیق اقتصادی و ایجاد تحرکاتی در اقتصاد قرار دهد». (مصوبات کنگره دوم اکثریت - کار شماره ۱۹)

در زمینه سیاسی نیز از نظر «اکثریت» رفسنجانی از ائتلاف با «خامنه‌ای» و راست افراطی، «ایک به سوی «پایه اجتماعی» سلطنت طلبان و دمکرات‌ها چرخش کرده است. این سؤال که «پایه اجتماعی» بدون شاخص‌های معرف آن در عرصه سیاست یعنی چه و چگونه تعریف می‌شود را «اکثریت» بی‌پاسخ می‌گذارد زیرا حتی یک نمونه هم برای اثبات ادعای خود در دست ندارد، توجه کنید:

مذاکره با سرمایه‌داران بزرگ فراری و دعوت از آن‌ها برای بازگشت به کشور و

ملاقات و مذاکره با چهره‌های سرشناس رژیم سابق بیانگر آن است گروه رفسنجانی مقدم بر همه به پایه اجتماعی اپوزیسیون راست سلطنت طلب نظر دارد. در همین حال تمکین موقت این گروه به برخی فعالیت‌های فرهنگی، هنری و فرهنگی - سیاسی محافل دمکرات و مترقی نشان می‌دهد که گروه‌بندی رفسنجانی مایل است در عرصه جلب حمایت با بی‌طرفی پایه اجتماعی اپوزیسیون و دمکرات رژیم - که ایک بیش از هر زمان گسترده است - نیز بحث حویثی را بیازماید. (همانجا)

با این رهنه ساری و به دنبال چراغانی کودال‌های نمور رژیم ولایت فقیه «اکثریت» ابتدا حظ مشی خود را که قلاً «پایان دادن» به رژیم ملاها بود یک درجه تنزل داده و به حواست «انتخابات آزاد» عقب می‌نشیند:

«ما برای تأمین حاکمیت مردم و گذار از استبداد به دموکراسی برخواست انتخابات آزاد تأکید کرده و برای تحقق آن مبارزه می‌کنیم.» (همانجا)

«پایان دادن» در فرهنگ این جریان به معنای برکناری مسالمت آمیز رژیم حاکم از طریق انتخابات آزاد بود. به این معنا که با اقدامات اپوزیسیون، ملاها تحت فشار گذاشته شوند و سرانجام به برگزاری انتخابات رضایت داده و کنار بروند. صرف نظر از این که سناریوی مذکور به روی صحنه برود، با فاکت‌های جدید خود او نیز همخوانی نداشت برآستی چرا می‌بایست رفسنجانی کنار برود هنگامی که به «پایه‌های اجتماعی» اپوزیسیون دمکرات و سلطنت طلب، لبخند عطف می‌زند و نیز سبیل دلارهای آمریکایی، اروپایی و ژاپنی «درماه‌های آتی» به سوبش سرازیر خواهد شد؟

تاکتیک جدید «انتخابات آزاد» بدون شرط برکناری رژیم و با به رسمیت شناختن حق او برای ادامه حکومت در صورت پیروزی در انتخابات! می‌باشد. ناگفته پیداست که با صرف نظر از «پایان دادن» هر استراتژی دیگری که برای حل و فصل مناسبات رژیم و اپوزیسیون اتخاذ گردد اتوماتیک وار می‌بایست خود را با قوانین و قواعد حکومت انطباق دهد تا بتواند در کادر آن قرار گیرد. و این امر از یک طرف به منای پذیرش قانون اساسی ملاها و از طرف دیگر استحاله‌ی «اکثریت» از یک جریان اپوزیسیون به تشکیلی قانونی و متعارف بنا به تعریف آخوندی‌ست. در همین راستا ابتدا سازمان نامبرده حق دفاع مشروع و مقاومت عادلانه در برابر خونریزترین حکومت تاریخ ایران را نفی می‌کند و سپس به انحلال تدریجی خود دست می‌زند تا از این راه حتی حق تشکل که ابتدایی‌ترین شرط لازم برای برگزاری انتخابات است را منکر شده باشد:

«سازمان در مبارزه سیاسی علیه رژیم تنها بر کاربست اشکال دموکراتیک و مسالمت آمیز مبارزه تأکید دارد و بکارگیری قهر، خشونت،

شیوه های غیر انسانی و غیر اخلاقی را برای حل مسائل سیاسی و اجتماعی مردود می شمارد.

«قطعنامه در باره فعالیت فدائیان خلق در داخل کشور: ۱- بااستفاده از امکانات علمی و قانونی و فعالیت در تشکل های توده ای و دمکراتیک، در تقویت زمینه برای استقرار دمکراسی در کشور کوشش نمایند. در این میان حضور موثر در نهضت روشنگری در راستای ترویج افکار ترقیخواهانه از اهمیت جدی برخوردار است. ۲- فعالیت های مشترک خود را بر مناسبات محدود، غیرممکن و طبیعی متکی سازید. از حفظ و ایجاد هرگونه تشکیلات حرفه ای و مخفی، و سطوحی از فعالیت که نتیجه آن گریختن زندگی محتمل است پرهیز نمایید. ۳- سازمان در خارج از کشور ارگان هایی چون کمیته ارتباطی یا کمیته های مرزی ندارد.»

«اکثریت» برای موجه جلوه دادن تسلیم بی قید و شرط خود آنچنان درباره اوضاع سیاسی کشور فانتزی می پروراند که گویی پنجاه میلیون ایرانی در یک مملکت اشتباهی زندگی می کنند و این تنها اوست که می داند مقوله هایی مانند «تشکل های توده و دمکراتیک» یا «نهضت روشنگری» اصلاً وجود خارجی دارند و می بایست از این «امکانات علمی و قانونی» استفاده کرد! برآستی اگر چنین پیش شرط هایی برای فعالیت سیاسی در ایران وجود دارد چرا خود اعضای رهبری «اکثریت» از آن «استفاده» نمی کنند؟ از طرف دیگر فرض را براین بگیریم که این جریان هنوز در ایران هوادارانی دارد و این قطعنامه نه تضمین دو قصه بی خطر بودن به رژیم بلکه واقعاً رو به آن ها دارد خوب، فعالیت پراکنده و انفرادی اینان چه وجه تمایزی با اقدامات خود انگیزه و خود به خودی شرکت کنندگان دیگر در مثلاً «نهضت روشنگری» دارد؟ و چگونه بدون تشکیلات، خط مشی، برنامه عمل و حتی ارتباط با ارگان سازمان دهنده می تواند در تقویت زمینه برای «استقرار دمکراسی» موثر باشد؟ امروزه، در عصر شکل گیری روندهای دمکراتیک بر پایه پلورالیسم سیاسی و قطب بندی های اجتماعی و در حالی که نظام های دیکتاتوری حیات سیاسی مخالفان خود را به هزارویک شکل منکر می شوند تا از این موج برکنار بمانند، «اکثریت» علناً و عملاً دست در دست استبداد و آن هم از نوع «ولایت فقیه» می گذارد، آن ها را به رسمیت می شناسد، خود را نفی می کند و سرآخر هوادارانش را به عبارت ساده «پی نخود سیاه» می فرستد. (شاید اکنون بهتر بتوان دریافت که جریان کشتگر به چه دلیلی دست به انحلال خود زد) در مقام مقایسه با امتیازهایی که این جریان به رژیم می دهد، نر راه رشد غیرسرمایه داری الیافسکی بسیار رادیکال و چپ جلوه می نماید!

اما «اکثریت» هدف معین خود را نیز دارد و آن همانا کسب پوئن هایی است که

مشابه آن ها را هم اکنون «نهضت آزادی» بازرگان در اختیار دارد! این افاضات برنامه ای نیز در حقیقت رل اسناد رسمی را ایفا می نمایند. او بدین وسیله به رژیم آخوندها اطمینان می دهد که «اندیشه نوین» در برنامه و تشکیلاتش رسوخ کرده و اکنون آن ها می توانند بعنوان شریک قابل اعتماد با او به مذاکره بشیید. واقعت مذکور بقدری آشکار و رسنده است که حتی خود «اکثریت» نیز بدان اعتراف کرده و ادعان می کند که چگونه رژیم ملاها مجدانه در پی دیکته برنامه و خطوط عمل وی بوده است، دقت کنید:

«هدف دیگر این ماموران رژیم اما در همین چارچوب، در تلاش برای تأثیرگذاری بر برنامه سیاسی این سازمان هایی است که خط مشی شان بر نفی و عدم پذیرش رژیم جمهوری اسلامی و بر ارزیابی عدم امکان ایجاد تحولات اساسی در شرایط حاکمیت جمهوری اسلامی استوار است در مورد سازمان فدائیان خلق اکثریت بگویم، ماموران رژیم می کوشند به طرق گوناگون، حرف و حدیث خود را به گوش ها برسانند و با تبلیغات غیر مستقیم در مورد تغییر شرایط، در راستای تقویت خط مشی متسی بر ارزیابی وجود امکان حضور قانونی یک نیروی اپوزیسیون در داخل کشور و در راستای تضعیف خط مشی کنونی سازمان تأثیر گذاشته و برای آینده سرمایه گذاری کنند.» (کار ۶۰ - مرداد ۷۲ - بازی سیاسی به جای تلاش برای حل مسئله - فریدون احمدی)

در مطلب فوق الذکر نویسنده برای رسیدن «حرف و حدیث» ماموران رژیم به «اکثریت» اینگونه رهنمود می دهد که:

«برای آن که بتوانیم به میدان حقیقت نزدیک شویم باید گوش های بزرگی برای شنیدن آراء و عقاید گوناگون داشته باشیم.» البته «اکثریت» با مصوبات کنگره دوم خود پیش از این اثبات کرده بود که از موهبت داشتن «گوش های بزرگ» برخوردار است و استعداد شگرفی در تبدیل گرفته های خود به مفاد برنامه ای دارد. اما «میدان حقیقت» ی که وی می بایست در گام بعدی بدان نزدیک می شد، تبعات اجتناب ناپذیری است که اپوزیسیون قانونی «ولایت فقیه» به ناکوبر باید به آن ها تن دهد تا اولاً مرزبندی خود با نیروهای خارج از کادر مصالحه را ترسیم کرده باشد و ثانیاً افق نزدیکی به رژیم را از سطح به رسمیت شناسی دوافکتو به همکاری عملی گسترش دهد. و این همان سیاستی است که وجه مادی خود را در حمله و زیرضرب گرفتن اصلی ترین نیروی مخالف رژیم، مقاومت ایران و اجزاء تشکیل دهنده اش از یکسو و تسرنه ارتجاع حاکم از جنابانش، مذاکره با آن و دیگر خدمات! از سوی دیگر نشان می دهد.

کنگره سوم «اکثریت» در همین راستا یکبار دیگر بر شناسایی رژیم بعنوان یک گرایش سیاسی تأکید کرده و می گوید: «سازمان ما مدافع حق موجودیت و

فعالیت سیاسی همه جریان های سیاسی و فکری کشور و امکان مشارکت آنان در انتخابات و مدیریت جامعه بر اساس رای مردم به شرط اعلام تعهد و پای بندی به حقوق مخالفان می باشد.» (کار ۶۵)

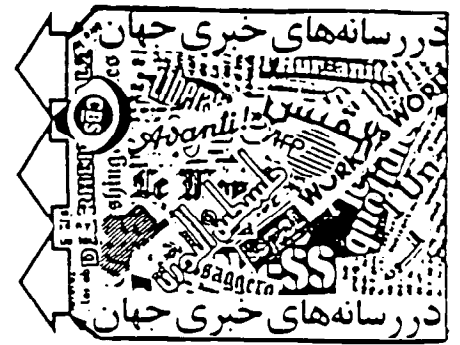
و نیز از طرف دیگر دست خود را برای تخطئه مقاومت عادلانه در برابر سرکوب باز نگه می دارد:

«ما با تروریسم به هوشکلی و به خاطر هر هدفی و از سوی هر نیرویی مخالفیم» (همان جا)

این که در فرهنگ «اکثریت» به چه چیزی «تروریسم» اطلاق می گردد، امری پنهان نیست اما تغییر لحن این جریان که پیش از این و نیز در کنگره قبلی خود از محکوم کردن «فهر، خشونت، شیوه های غیرانسانی و غیراخلاقی» یاد می کند و اکنون صریحاً از «تروریسم» نام می برد جای تأمل بسیار دارد. (فقط کافی است توجه داشته باشیم که این اصطلاح را رژیم ملاها در تبلیغات خارجی خود علیه مقاومت بکار می برد.)

با توجه به دگرگونی های برنامه ای و خطوط تبلیغی «اکثریت» جای هیچ تعجبی وجود ندارد که جریان نامبرده بیش از آن که تصور می رود در نزدیکی به رژیم آورده شده باشد. برآستی چرا «اکثریت» نباید با یکی از جناح های سیاسی کشور مذاکره و معامله کند؟ چرا نباید پناهندگان شرافتمند ایرانی را به مراجعه به سفارت آخوندها و استدعای گذرنامه ننگین حیات تشویق نکند؟ چرا نمی تواند در حمایت «میکنوس» نقش یادو و دلال را بعهده داشته باشد؟ کدام پاراگراف برنامه او، کدام سیاست عملی، وی را از دست زدن به این شاهکارها! باز داشته و منع می کند؟

واقعت این است که چهره رفرمیستی «اکثریت» چیزی جز سیمای رنگ باخته یک نیروی عقب مانده سیاسی نیست، جریانی آغشته به فرهنگ استبدادی آسیایی و مملو از رسوبات ذهنی آیین «کجدار و مریر» که هیچگاه در پیگیری ملایم ترین اصلاحات سیاسی موفق نبوده و هرگز رل اپوزیسیون رفرمیست را بیش از چند صباح ایفا نموده است «اکثریت» هر بار که با شعارهای اصلاح طلبانه به صحنه آمده به همسویی کامل با حکومت در غلطیده و سرانجام با سر به زمین حورده است زیرا در چارچوب فکری او این تنها حکومتگراند که رفرمیست های واقعی محسوب می شوند، آن ها می توانند بند «ح» و «د» را اجرا کنند نه کسانی که تسمه از کرده شان کشیده می شود و دسته، دسته به جوخه اعدام سپرده می شوند. منطق قدرت که در ذهن تاریخاً تحریف شده انسان دست به سینه جهان سومی و در اینجا «اکثریت» به یک ارزش بی تردید و خدشه ناپذیر تبدیل گشته هرگونه باور و ایقان به توان خود و به قدرت توده ها را می روید و دفع می کند و درانتها او را به دخیل بستن به «اردوگاه»، روانه شدن



((ما در یک معبر باریک قرار داریم))

مصاحبه با اسحاق رابین

منبع: اشیکل جاب المان

تاریخ: ۳۱/۱/۹۴

مترجم: بابک

توضیح نبرد خلق: این مصاحبه قبل از عملیات جنایتکارانه کشتار فلسطینیان در مسجد الخلیل و عملیات تروستی حماس صورت گرفته است. تلافی افراطیون اسرائیل و فلسطین برای برهم زدن توافق واشگتی که بویژه توسط رژیم آخوندی حاکم بر مین ما تقویت می شود و تسریع در روند صلح و مذاکره که به ویژه با توافق بر سر خروج نیروی نظامی اسرائیل از غزه و اریکو وارد مرحله جدیدی شده است، مسئله مرکزی در لحظه کنونی در رابطه با اسرائیل و ساف است. هنوز به طور قطعی نمی توان گفت که کدام یک از دو روند بالا، در تحولات آینده دست بالا را پیدا خواهد کرد. اسحاق رابین در این مصاحبه به تشریح این شرایط می پردازد.

اشیکل: ۴ ماه پس از قرارداد تاریخی واشگتن، روند صلح اسرائیل و اعراب به نقطه تعیین کننده ای رسیده است. آیا اکنون گشایشی ایجاد می شود یا این که تهدید یک عقب گرد که همه چیز را دوباره زیر سؤال می برد، وجود دارد؟

رابین: هدف من پایان دادن به بحران صدساله میان یهودی ها و فلسطینی هاست. ما اولین گام بزرگ به جلو را در سیستم گذشته در واشگتن برداشته ایم.

اشیکل: اما هنگامی که قرارداد پایه ای در ۱۳ دسامبر می بایست به اجرا نهاده می شد، هیچ اتفاقی نیفتاد. چرا شما در آن زمان خود را در چنین تنگنای زمان قرار دادید؟

رابین: این حقیقت که ما قرار مذکور را نتوانستیم حفظ کنیم - سه ماه پس از امضاء - به معنای ناکامی نیست. کسی که به ما انتقاد می کند نمی فهمد که تله هایی در این معاهده وجود دارد. اکنون در مذاکرات اسرائیل - فلسطین درونابا، اسلو، پاریس و قاهره مسئله نه پرنسپ ها بلکه حواشی است. اشیکل: بنابراین یکبار دیگر شیطان در جزئیات لانه کرده؟

رابین: با فلسطینی ها برسریزی چانه زدن بویژه دشوار است. ما می خواهیم یک واقعیت جدید، یک همزیستی مسالمت آمیز میان دو واحد ایجاد کنیم

که میانه آن ها - نکته پیداست - نه عشق بلکه سوء ظنی بنیادی وجود دارد. علاوه بر آن از نظر جغرافیایی هردو ملت در یکدیگر هضم شده اند. به این دلیل، واقعاً مشکل است بیانه پایه ای را به اجرا در آورد. برای ابتکار می بایست تعداد بیشتری سؤال پاسخ داده شوند: امنیت، ساختار، اشتغال، تامین آب و برق.

اشیکل: چه مدت باید روشن سازی این مسائل طول بکشد؟

رابین: به نظر من ما به دو یا سه ماه دیگر برای مشخص کردن تک، تک، این مسائل احتیاج داریم. تنها اینگونه می توانیم به هدف برسیم. اما من مطمئن هستم که موفق خواهیم شد.

اشیکل: برای بسیاری از فلسطینی ها در این میان این نظر قوی تر می شود که شما آنگاهان با زمان بازی می کنید؟

رابین: بدون صریح کاری انجام نمی شود. بالاخره ما قصد داریم به یک بحران صد ساله پایان دهیم. آلمان و فرانسه هم یک شه دوست نشدند.

اشیکل: پس چرا قول دادید که تخلیه نیروهای اسرائیلی در ۱۳ دسامبر آغاز می شود. آیا شما خودتان را با تعیین یک مهلت معین تحت فشار نگذاشتید؟

رابین: این اشتباه هردوی ما بود. من این را در سومین ملاقاتم با عرفات در ۱۲ دسامبر به او هم گفتم. ما می بایست خیلی زودتر با یکدیگر ملاقات و گفتگو می کردیم. عرفات ناگهان به قرارداد کاملاً متفاوت با تبه مذاکره کننده اش برخورد کرد و آن هم در نقاط اساسی مانند مسئولیت ما در قبال امنیت مرزها. در این حا عرفات یک دور ۸۰ درجه ای زد. ما از یک چنین سوء تفاهماتی می توانیم اجتناب کنیم.

اشیکل: زمانی که شما با رهبری ساف در ملاقات در برابر کاخ سفید دست دادید، اکراه را می شد در شما به وضوح دید.

رابین: احساسات من نقش بازی نمی کند. من به طور بنیادی تصمیم گرفته بودم با ساف مذاکره کنم. اشیکل: پزیدنت کلینتون ناچار شد قویاً در دست دادن شما دو نفر کمک کند.

رابین: پیش از مراسم یک لحظه با پزیدنت کلینتون باهم بودیم، چیزی میان ما وجود نداشت، سکوت کردیم. سپس من به عرفات گفتم: مسئله خیلی دشوار خواهد بود. عرفات پاسخ داد: بله، خیلی دشوار خواهد بود.

اشیکل: در حال حاضر شما چندین بار با عرفات ملاقات کرده اید، آیا اکنون به او اعتماد دارید؟

رابین: من از گفتن علنی چیزی درباره کاراکتر عرفات، در وسط مذاکره پرهیز می کنم. برای من انتخابات فقط اینگونه است که یا با ساف مذاکره می کنیم یا ناچاریم با اسلامی های افراطی از نوع حماس سروکله بزنیم. اگر اسرائیل به دنبال صلح با همسایگانش است، بنابراین با دشمنانش سروکار دارد، اغلب و به اندازه کافی با دشمنان خونی اش. من و عرفات می دانیم چه مسئولیتی را به دوش می کشیم. سر آخر نتایج نشان خواهند داد که حصارت ما ارزش داشت.

اشیکل: تاکنون که هردوی شما چیز زیادی برای

شان دادن نداشته اید. با هر تاخیر دیگر موضع عرفات ضیف تر می شود و بدین وسیله همچنین توانایی اش برای تفاهم. این از شما که پنهان نیست؟

رابین: یقیناً، ما در انجام امور در زمان تعیین شده با تاخیر روبرو هستیم. اما در این فاصله مخالفین فلسطینی فرار داد هم، ترور خود علیه اسرائیل را شدت بخشیده اند. نجحی ندارد که نزد ما علاقه به قرارداد رو به تحلیل می رود.

اشیکل: به همچنین نبرد فلسطینی هایی که گمان کلک زدن شما حبابز کرده.

رابین: می بخشد اگر من ناچارم حرف شما را بصحیح کنم: در کشورهای عربی، دمکراسی وجود ندارد. حداقل آن دمکراسی که ما در اسرائیل و اروپا می شناسیم. ما با رژیم های نوابیتر و اتوریتر سروکار داریم.

اشیکل: دقیقاً همین نکته را ایورسیون بعنوان انتقاد مطرح می کند که شما با چنین سیاستمدارهایی بر سر میز مذاکره می نشینید و قرارداد می بندید.

رابین: من از عرفات انتظار ندارم پیش از آن که در غزه یک نیروی قوای امنیتی ایجاد کرده باشد، فلسطینی ها را تحت کنترل داشته باشد.

اشیکل: چرا شما بعنوان یک گام بشردوستانه ۱۲ هزار فلسطینی را که در زندان های اسرائیل محبوس هستند، آزاد نمی کنید؟

رابین: من فکر نمی کنم آزادی ۹ هزار زندانی قدمی به سوی امنیت عمومی محسوب شود. قرارداد صلح دقیقاً به دلیل افزایش اقدامات تروریستی، در نزد اسرائیلی ها رنگ می بازد.

اشیکل: میان اسرائیلی ها و فلسطینی ها - همانگونه که گفتید - صدسال تنفر و درگیری حاکم بوده. آیا اصولاً در مردم اسرائیل خواست آشتی وجود دارد؟

رابین: همه از صلح صحبت می کنند اما هر کس از آن تصویری دارد. یک چیز روشن است: صلح فقط با تفاهم دردناک همه ی طرفین می تواند برقرار شود. کسی که عقیده دارد درگیری با فلسطینی ها بدون دادن خودمختاری محلی به آن ها حل و فصل می شود، صلحی در یافت نخواهد کرد.

اشیکل: خودمختاری برای فلسطینی ها کافی نیست بلکه فقط گام اول به سوی یک دولت است. آیا می توانید آن را در کنار اسرائیل تصور کنید؟ رابین: من می توانم حداکثر در درازمدت یک کنفدراسیون میان دولت های مستقل اسرائیل و اردن و در این میان وجود یک دستگاه خودمختار فلسطینی با دوائر اداری خود را تصور کنم، اما یک کشور مستقل فلسطینی را نه.

اشیکل: و چه جایگاهی اورشلیم دارد، یک پایتخت مشترک برای اسرائیلی ها و فلسطینی ها؟ رابین: اورشلیم پایتخت کشور یهودی ست و باید یک واحد باقی بماند.

اشیکل: بیش از هر کس باید برای ۱۳۰ هزار مهاجر یهودی در سرزمین های اشغالی دشوار باشد که از هدف ایجاد یک اسرائیل بزرگ که شهرهای بابلی در غرب اردن و نوار غزه نیز بدان تعلق دارند، چشم پوشتند.



رایین: من شخصاً به یک اسرائیل بزرگ، به انضمام سرزمین های اشغالی اعتقاد ندارم. این بدان معناست که ما نه فقط اردن غربی و سرزمین های اشغالی را به خود ملحق سازیم بلکه همراه با این مناطق، ۱/۸ میلیون فلسطینی هایی را تحت سلطه خود بکشیم که از نظر سیاسی، مذهبی و فرهنگی کاملاً با ما متفاوتند. اسرائیل آن گاه به یک کشور دوقلمبی تبدیل می شود و این تحقق رویای دوهزارساله یهودی راحه به بازگشت به صیون نیست. اشیکگل: آیا این سخن به معنای عقب نشینی به مرزهای ۱۹۴۷ است؟

رایین: من مخالفم. ما حق داریم بر تغییر مرزهای پافشاری کنیم. بیش از همه به دلیل امنیت. این امر در انعام محدود به معنای الحاق فلسطین می باشد اما با کمترین جمعیت فلسطین که امکان داشته باشد.

اشیکگل: بر سر ۱۴۴ آبادی در مناطق اشغالی چه خواهد آمد؟

رایین: ما بایستی میان آبادی هایی که برای امنیت اسرائیل مهم هستند و آبادی های سیاسی ای که - برخلاف خواست ما - توسط حزب لیکود ایجاد شده اند، تفاوت بگذاریم. من فکر نمی کنم این دومی گامی برای امنیت کشورمان بردارد.

اشیکگل: آن ها می توانند حتی به یک خطر تبدیل شوند. مهاجرین افراطی یک مقاومت فعال علیه فلسطینی ها را اعلام کرده اند.

رایین: لطفاً در نتیجه گیری عجله نکنید. ما به این مسئله هنگامی که مادی بشود خواهیم پرداخت. در دوران گذار قرارداد، آبادی ها فعلاً همان جا که هستند باقی خواهند ماند.

اشیکگل: شما سرباز حرفه ای و قهرمان جنگ ۶ روزه ۱۹۷۶ بودید. واقعاً چه چیزی شما را به کبوتر صلح مبدل ساخت؟

رایین: من به سرپازی احضار نشدم بلکه شرایط مرا به این مسیر کشاند. من به دانشکده فنی کشاورزی رفتم. ومی خواستم در حیثیت مهندس تأسیسات آبی بشوم. در این هنگام جنگ جهانی دوم پیش آمد. من نمی توانستم درس بخوانم و به ارتش زیرزمینی اسرائیل، گروه «بالماخ» ملحق شدم، ۲۷ سال تمام سرباز بودم.

اشیکگل: و تا رئیس ارتش خود را بالا کشیدید.

رایین: خوشبختانه رئیس ستاد ارتش در خلال پیروزمندانه ترین جنگی که تا آن زمان اسرائیل کرده بود، جنگ ۶ روزه، در طی تمام دوران خدمت نظامی ام برای من روشن بود که ما به قدرت نظامی برای حفظ امنیتمان نیاز داریم. اما همزمان برای من آشکار شد که قدرت نظامی ما می بایست به نیروی سیاسی انتقال یابد. بحران اعراب و اسرائیل نمی بایست بیش از این در میدان جنگ حل شود. نباید جنگ را فقط به ابزار و آلات و همچنین تلاش برای صلح را فقط به سیاستمداران واگذار کرد.

اشیکگل: پس شما می خواهید در کتاب های تاریخ بعنوان بانی صلح معرفی شوید؟

رایین: باور کنید من اهمیتی به لقب، شهرت و مقام نمی دهم، من تقریباً همه آن مقام هایی که اینجا می شود داشت را داشته ام: رئیس ستاد ارتش،

سفير در واشنگتن، وزیر دفاع و نخست وزیر. برای من صدلی ای که الان روی آن نشسته ام مهم نیست. از روی من ایجاد امنیت و کسب صلح برای اسرائیل است. برای نیل به این اهداف در تعادل نیروی بین المللی و منطقه ای کنونی، یک شانس منحصر ببرد وجود دارد.

اشیکگل: منتقدین شما می گویند که بعنوان یک نظامی قدیمی فقط با معز و نه با قلب در روند صلح حرکت می کنید.

رایین: برای اسرائیل صلح همیشه به این معناست که باید بهایش را بپردازیم و اغلب با توافقات ارضی. در مقابل چه چیزی را بدست می آوریم؟ حرف، قراردادها. همان طور که به خوبی اشاره شد نه از حکومت های دموکراتیک که اینگونه معاهده هایی برایشان مسمی دارد بلکه از رژیم های توتالیتر. دقیقاً به همین دلیل می بایستی مدام از خودم سؤال می کردم: امنیت ما کجاست؟ اسرائیل با جنگجویان خود ریسک های بزرگی کرد. اکنون هم باید برای صلح ریسک کنیم.

اشیکگل: آیا به این دلیل حامی صلح و آشتی شده اید که از نرول ندریجی بزرگی استراتژیک اسرائیل در خاورمیانه هراس دارید؟

رایین: به هیچ عنوان. ما وقت داریم اما مسئله این نیست ما در عصر جدیدی زندگی می کنیم. جنگ سرد پایان یافته، اتحاد شوروی به متابه عامل ناآرامی ها از صحنه حذف شده آمریکا باقی می ماند که در خلال جنگ خلیج مصممانه عمل کرد. این امر برخی از رهبران عربی را به تغییر نگرش رهنمون ساخت. چه کسی می دانست که آیا رئیس جمهور سوریه اسد، در مسیر صلح گام بر می داشت آنگاه که هنوز از پشتیبانی نظامی و اقتصادی سکو برخوردار بود.

اشیکگل: حرف شما اینگونه تداعی می کند که گویا اسرائیل جدیداً در دنیایی بدون دشمن واقعی زندگی می کند.

رایین: در دراز مدت البته خطرانی تهدید خواهند کرد: قوی شدن اسلامی های افراطی در تقریباً تمام سرزمین های عربی، جاه طلبی های دیوانه وار رژیم ایران که در پس این جنبش قرار دارد. علاوه بر آن ایران و عراق تلاش می کنند تا سال دوهزار به قدرت اتمی تبدیل شوند.

اشیکگل: چرا امروز شما به اسد اعتماد می کنید؟ سوریه که متحد ایران است و کماکان از بنیادگراها و تروریست ها حمایت می کند.

رایین: قبلاً اسد تلاش می کرد با اسرائیل توازن نظامی برقرار کند. امروز دیگر به این امر نمی تواند امید داشته باشد. اما البته همیشه خطر یک عقب گرد وجود دارد اگر احتمال اتحاد دمشق - تهران - بغداد وجود داشته باشد، من فکر نمی کنم از این مسئله چیزی دریابید. تنها یک امر حتمی است: ما امسال در یک معبر باریک قرار داریم. ۱۹۹۴ روشن خواهد کرد که آیا خاورمیانه به سمت صلح می رود یا در حالت پات متوقف می شود.

اشیکگل: و پات می تواند در حرکت بعدی به معنای جنگ باشد.

رایین: امسال شاید نه اما احتمالاً در ۵ یا ۷ سال دیگر.

اشیکگل: به همین دلیل امریکایی ها تلاش می کنند سوریه را به روند صلح ملحق سازند. آیا احساس می کنید کمی از جانب رئیس جمهور امریکا بیل کلینتون تحت فشار گذاشته شده اید؟

رایین: این که برای امریکایی ها صلح اسرائیل با تمام همسایگان عربی اش مهم می باشد، روشن است. واشنگتن احتیاجی ندارد به من بگوید که طرف های کلیدی برای این امر سوریه و فلسطینی ها هستند. برای موجودیت اسرائیل فلسطینی ها خطر محسوب نمی شوند، اما سوریه چرا. اگر با آن ها به نتیجه برسیم، به یک صلح واقعی مانند آن زمان با مصر، آن گاه یک منطقه امنیتی برای خود ایجاد کرده ایم. یک لایه دفاعی علیه حریمان جنگی نالوهای مانند ایران یا عراق.

اشیکگل: آیا آن گاه شما حاضر هستید برای صلح با سوریه، بلندی های اشغال شده حولان در سال ۱۹۶۷ را پس بدهید؟

رایین: این هوشیارانه نیست که در این جا بگوییم با چه حرکتی مذاکرات کنونی با سوریه را پیش می بریم، من یقیناً اعلام نخواهم کرد که آماده ام بالاترین بها را بپردازم. هر دو طرف تلاش خواهند کرد برای خودشان بیشترین نفع را بیرون بکشند.

اشیکگل: آیا واقعاً فکر می کنید اسد با کمتر از آن چیزی که به رئیس جمهور مصر سادات، یعنی شبه جزیره سینا دادید راضی خواهد شد؟

رایین: سؤال خوبی است، فقط من نمی توانم به آن جواب بدهم. واقعیت های جدیدی وجود دارند که از دیدگاه اسرائیل یک اقدام متفاوت را توجیه می کند.

اشیکگل: حتی یک عقب نشینی از بخشی از مناطق به معنای این است که آبادی های اسرائیلی می بایست تخلیه شوند.

رایین: دوباره می گویم، در شرایط پیچیده کنونی، شما نمی توانید توقع حرف صریحی از من داشته باشید. گفتگوی ما با سوریه تازه شروع شده است. ما تلاش می کنیم مانند مذاکرات با مصر در آن زمان، تا آن جا که ممکن است با مسئله رازدارانه برخورد کنیم.

اشیکگل: در آن زمان قرارداد کمپ دبوید به معنای این بود که ۱۹۰۰ مهاجر اسرائیلی می بایست صحرای سینای پس داده شده به مصر را ترک کنند.

رایین: می دانم.

اشیکگل: آیا گمان می کنید مخالفین قرارداد - فلسطینی های فئاتیک یا اسرائیلی های افراطی - با اقدامات تروریستی تلاش می کنند روند صلح را به شکست بکشاند.

رایین: احتمالش هست، حتی همین الان که ما به آن اشاره کردیم با شاید فردا، زمانی که اربکو و نوار غزه تحت کنترل «ساف» قرار گرفتند. آن گاه مشخص خواهد شد که آیا نیروهای امنیتی عرفات، صلح و نظم را می توانند برقرار کند و آیا قادر هستند مانع تبدیل نوار غزه به پایگاهی برای تروریست ها شوند. برای من این یک آزمایش تعیین کننده است که در پایان.

اشیکگل: آقای نخست وزیر ما از شما به خاطر این گفتگو تشکر می کنیم.

ده روزی که مکزیک را لرزاند

منبع: نیشن ۲۸/مارس/۱۹۹۴

نویسنده: مارک کوپر

مترجم: س - کیوان

انقلاب واقعی زاپاتیست‌ها در حین نبرد در «چیپاس» در هفته اول ۱۹۹۴ اتفاق نیفتاد، بلکه وقوع آن را باید بیشتر در «کانادال» سان کریستول دل لاس کاساس، در مدت ده روز مذاکره بین شورشیان سرخپوست و نمایندگان کمیسیون صلح برگزیده دولت ارزیابی کرد. از آغاز کار ارتش آزادیبخش ملی زاپاتیست‌ها بحث می‌کردند که ریشه قیام را فقط در فقر منطقه نباید جستجو کرد، بلکه این سیستم سه دیکتاتوری ساسی است که این چنین ستم اقتصادی را ممکن می‌سازد. از اینرو، در حالی که «مانوئل کاماچوسولیس» نماینده رئیس جمهور «کارلوس سالیناس د گورتاس» نعل وارونه می‌رود تا این حقیقت را انکار کند که تمامیت ساختمان سیاسی کشور بر روی میز مذاکره است، همه مکزیک‌ها می‌دانستند که غیر از یک رفرم سیاسی واقعی قبل از انتخابات آتی ریاست جمهوری اگوست، هیچ صلح اجتماعی با دوامی در مکزیک وجود نخواهد داشت.

به این دلیل تنها در ده روز گفتگوهای صلح، دولت به یک توافق ۲۳ ماده‌ای گردن گذاشت که نه فقط سرمایه‌گذاری اساسی در خدمات عمومی «چیپاس» را مد نظر دارد بلکه همچنین راه را برای یک‌سری رفرم‌های دمکراتیک هموار می‌سازد. البته این‌ها به انضمام خودمختاری محدود برای جامعه سرخ‌پوستان است که در ضمن اولین قانون ضد تبعیض نژادی مکزیک نیز هست. از آن جالب‌تر، هنگامی که موضوع به مطبوعات درز پیدا کرد، رئیس جمهور «سالیناس» در مقام واضع قوانین جامع رفرم‌های انتخاباتی ظاهر شد که برای اولین بار در تاریخ مکزیک می‌تواند ضمانت یک هیئت منقل و خارجی را در شمارش آراء داشته باشد. و صندوق آراء را ناظران خارجی برای مطمئن ساختن اینکه نقش رأی دهنده واقعی است، خواهند گشود.

اما این دو موضوع - آشتی «چیپاس» و رفرم انتخاباتی - به معنای آن نیست که صلح به سهولت در دسترس است. در دوران پیش از شش دهه حکومت تک حزبی «PRI» یک شبکه استبدادی خشک از رؤسای حزبی و چماقداران را برقرار کرده است که همه همسایگان را در سطحی پایین قرار می‌داد. این بیش از تنها چند فرمان قلمی رئیس جمهور زمان می‌برد تا آن‌چه را که به نام دایناسور PRI خوانده می‌شود، با چنین سابقه و قدرتی از جای خود بیرون براند.

این استلزام برای «سالیناس» و «کاماچو» وجود دارد. اکنون زمان بر علیه دولت است. در حالی که PRI باید برای آرام کردن یک مکزیک مشکوک و ناراضی بوسیله پیشکش قول

جایزه اسکار

شست و ششمین دوره فستیوال جایزه اسکار در تاریخ ۹ فروردین امسال در لس آنجلس برگزار شد. در این فستیوال فیلم «لیست شلندره» ساخته کارگردان قدرتمند استیون اسپلبرگ که خود را برای کسب ۱۲ جایزه اسکار کاندیدا کرده بود، توانست ۷ جایزه از بهترین فیلم و بهترین کارگردان را نصیب خود کند. بهترین بازیگر زن هالی‌وود به خاطر بازی در فیلم «پیانو» و نام هانکس بهترین بازیگر مرد به خاطر بازی در فیلم «فلافلما» جایزه اسکار گرفتند. در این فستیوال یک دوشنبه ۱۱ ساله به نام اناپاکدین جایزه بهترین بازیگر زن در نقش دوم را گرفت و پل نیومن هنرمند برجسته و کهنه کار آمریکایی به خاطر تلاش‌های انسان‌دوستانه، یک جایزه اسکار دریافت نمود. فیلم «لیست شلندره» که ۷ جایزه اسکار نصیب خود کرد، یک فیلم سیاه و سفید (نه جز صحنه آخر آن) و الهام گرفته از یک رویداد واقعی است. این فیلم تلاش یک سرمایه‌دار آلمانی برای نجات تعدادی از یهودیان لهستان را نشان می‌دهد. تمامی دولت‌های عربی ورود این فیلم به کشورهای خود را ممنوع اعلام کرده‌اند.

جدیدش قبل از انتخابات اگوست، رقابت کند، ارتش آزادیبخش ملی زاپاتیست‌ها که زمان به نفع اوست، اوضاع راحت و مناسبی دارد. زاپاتیست‌ها تردیدی در نگاه داشتن سلاح‌هایشان برای زمان موعود ندارند. حتی درست در لحظه‌ای که انتخابات اگوست نزدیک می‌شود. اگر آن‌ها (زاپاتیست‌ها) گمان می‌کنند که دولت قول‌هایش را عملی نمی‌کند و اگر لازم باشد، جنگی محدود را متقبل می‌شوند. به همان صورت در مورد انتخابات، اگر نتایج رأی‌گیری بنظر درست برسد، یک پیمان نهایی می‌تواند به امضا برسد. در غیر این صورت ارتش آزادیبخش می‌تواند صدها سازمان مخالف شهری را فرا بخواند که به سرخ‌پوستان «مایا» در موج جدیدی از قیام ملحق شوند. «کارلوس رامیرز» مفسر سیاسی مکزیک می‌گوید، «در آن صورت تنها ضامن واقعی انتخابات دولت مرکزی نخواهد بود بلکه ارتش زاپاتیست‌ها خواهد بود».

به چنین مفهومی نیز اخیراً در سخنان مارکوس (سخنکو و فرمانده) تلویحاً اشاره شده است. در حالی که نمایندگان دولت مثل فرفره در جلوی مطبوعات و رسانه‌ها می‌جرحیدند و به همه اطمینان می‌دادند که مذاکرات در مراحل نهایی است، مارکوس اظهار کرد، صلح هنوز راه درازی در پیش دارد، به همان درازی که در سی و یکم دسامبر داشت. (روز قبل از شروع قیام) ما حتی فکر تحویل دادن سلاح‌هایمان را نکرده‌ایم.

و میلیون‌ها مکزیک‌بومی دیگر با تکان زاپاتیست‌ها به جنب و جوش افتادند و اکنون آن‌ها با مشاهده ضعف ناگهانی ارتش آزادیبخش غیر محتمل است که فشار خود را تا پیروزی انقلاب نوین مکزیک متوقف کنند.

انتخابات مجلس ایتالیا

روزهای یکشنبه ۸ و ۹ فروردین امسال، انتخابات مجلس ایتالیا برگزار شد. مهمترین خصوصیت این دوره از انتخابات ایتالیا، از دور خارج شدن احزاب میانه و مهمترین آن یعنی حزب دمکرات مسیحی بود که از جنگ جهانی دوم تاکنون قدرت اصلی در دولت بود. در این انتخابات یک طرف ائتلاف احزاب راست و فاشیست قرارداد شدند و طرف دیگر ائتلاف احزاب چپ در طرف اول جریان جدیدالتاسیس «رنده باد ایتالیا» به رهبری سیلویوبرلوسکونی همراه با حزب طرفدار فدراتیو شدن ایتالیا (لیگ شمال) و حزب فاشیستی در جنوب قرارداد شدند. برلوسکونی یک ثروتمند قدرتمند در ایتالیاست، وی مالک ۶ شبکه تلویزیونی سراسری، شرکت بیمه چند مؤسسه بزرگ انتشاراتی، شرکت سینمایی، چندین فروشگاه زنجیره‌ای، سه روزنامه، دو هفته‌نامه و چندین نشریه دیگر و بالاخره تیم فوتبال میلان است. وی از سه ماه قبل که چپ ایتالیا روزه روز قدرتمندتر می‌شد، به صحنه سیاست وارد شد و در ظرف مدت کوتاهی ۱۳ هزار دفتر نمایندگی در سراسر ایتالیا ایجاد کرد. در انتخابات ایتالیا، دو سیستم اکثریت مطلق و اکثریت نسبی وجود داشت. ۴۷۵ نماینده از ۶۳۰ نماینده مجلس از طریق اکثریت مطلق انتخاب شدند و ۱۵۵ نفر از طریق اکثریت نسبی. ائتلاف ترقیخواه شامل حزب دمکراتیک چپ، حزب احیای کمونیستی، حزب سبزها و چندین حزب کوچکتر بود. نتیجه انتخابات منجر به پیروزی ائتلاف راست گردید. اما با توجه به تضاد شدید بین لیگ شمال و فاشیست‌های جنوب، برلوسکونی که خود را برای نخست وزیر کاندیدا کرده بعید است بتواند یک دولت با ثبات ایجاد کند. در جنبه ترقی خواه فقط حزب دمکراتیک چپ و حزب احیای کمونیستی توانست به مجلس راه یابد و بقیه احزاب از آوردن حداقل رأی برای راه‌یابی به مجلس برخوردار نشدند. احزاب میانه در این انتخابات کاملاً از صحنه حذف و بسیاری از رهبران آن اعلام کردند که به کلی از سیاست کناره‌گیری می‌کنند. این احزاب که در ایتالیا به نام احزاب رشوه معروف بودند، طی سالیان گذشته میلیاردها دلار رشوه گرفته بودند. این انتخابات به بی ثباتی سیاسی ایتالیا نه فقط پایان نخواهد داد، بلکه آن را تشدید خواهد کرد.

ساف عملیات حماس را محکوم کرد

• رادیو اسرائیل ۳۳/۱/۲۵ - «باسر عرفات رهبراف شب گذشته در تماس تلفنی با آقای رابین نخست وزیر از سوی قصد تروریستی علیه شهروندان بی‌گناه این کشور در شهرهای «حادر» و «هولا» ابراز تاسف کرد و با خانواده‌های عزاداران ابراز همدردی نمود. عرفات یادآوری کرد که جنایات تروریستی رادر سخنرانی روز گذشته خود در مقر جامعه اروپا در استراسبورگ فرانسه محکوم کرده‌است. آقایان رابین و عرفات بر ادامه روند سیاسی مذاکرات صلح که قرار است هفت آینده در قاهره و پاریس از سر گرفته شود تاکید گذاشتند.»

نابود باد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی

مصاحبه رادیو ۲۴ ساعته در آمریکا با هنرمند ارزشمند آقای عارف

توضیح نبرد خلق: برنامه‌های نوروزی امسال در کلن، رم، اسلو، پاریس، لندن، استکهلم، واشنگتن، لاهه، تورنتو و نوس آنجلس که با استقبال گسترده هموطنان خارج از کشور روبرو شد، خشم دیوانه‌وار محافل سلطنت طلب را برانگیخت. در این برنامه‌ها هنرمندان برجسته و سرشناس کشورمان خانم الهه و آقایان عارف، عمادرام و مرتضی شرکت داشتند. علیرضا میددی یکی از گردانندگان رادیو ۲۴ ساعته که در آمریکا پخش می‌شود، در برنامه روز پنجشنبه ۱۰ فروردین امسال مصاحبه‌ای با آقای عارف انجام داد. عارف در این برنامه همچنین به سوال‌های شنوندگان برنامه به طور مستقیم پاسخ داد. بخش‌هایی از این مصاحبه را برای اطلاع خوانندگان نبرد خلق چاپ می‌کنیم.

« آقای میددی من علاوه بر این که می‌خوانم و هنرمند هستم، ایرانی هستم و کنجکاو. بسیار دوست دارم با هوش باشم با حواس جمع و بیدار، که بینم در اطرافم چه می‌گذرد. این خیلی مهم است. یک وقت هیچ اطلاعات سیاسی نداریم و هیچ چیز نمی‌دانیم، ولی به همه یک مهر سیاسی می‌زنیم و از آن‌ها می‌ترسیم. این بدترین نوع برخورد با مسائل است. من خیلی مطالب راجع به مجاهدین شنیدم، بد و خوب و... من نمی‌دانم شما چطوری بررسی می‌کنید، من در نهایت صداقت بررسی می‌کنم. من ایرانی هستم و عاشق ایران و می‌خواهم به ایران برگردم. با چه کسی باید ایران را گرفت. با کسانی که ۱۵ سال است اینجا نشسته‌اند و باد دل خودشان را می‌زنند. با این‌ها نمی‌شود ایران را گرفت این‌ها کسانی هستند که هر وقت باران می‌آید از خانه بیرون نمی‌آیند. می‌ترسند. با این‌ها کاری نداریم. نه ما نمی‌توانیم مجاهد باشیم و نه مجاهدین می‌خواهند که ما مجاهد شویم چون مجاهد شدن یک خصوصیتی دارد.»

عارف در این مصاحبه می‌گوید: «بحث امروز با ۱۵ سال گذشته این تفاوت را کرده که همان مجاهدین که می‌گفتند هنرمندان مکتبی خودمان را داریم و بقیه بروند کنار، حالا می‌گویند بیا برای ما بخوان این یک تغییر در وجود مجاهدین که خودشان را عوض می‌کنند و اصلاح می‌نمایند. این‌ها پرشورو شر هستند. دلشان می‌خواهد کارهایی بکنند. وقتی در سوئد برنامه داشتیم تعداد زیادی بچه‌های کوچک آوردند که دنبال پناهندگی‌شان در سوئد و پرستاری آنان بودند. مادرشان رزمندگانی در عراق هستند. من آرزویم اینست که دوتا از بچه‌های این‌ها را بگیرم. در پاسخ به علیرضا میددی که پرسید تکلیف این بچه‌ها چه می‌شود گفت: «آیا

تکلیف ۲ تا از بچه‌ها را می‌خواهد معلوم کنید یا تکلیف همه ما ایرانیان را که زندگی‌مان اساساً زیرورو شده و رژیم حاکم بر ایران که خونخوارترین رژیم هاست؟ یک کسانی باید بلند شوند و مسئله ایران را حل کنند. این‌هایی که می‌دیدم بلند شده‌اند.»

علیرضا میددی در این‌جا به وی گفت عارف چشم‌پوشی حس شدم

عارف گفت من نمی‌دانم از بی‌اطلاعی ایطرف بگویم بعد از ۹ برنامه‌ای که اجرا کردم جلی‌ها به من تریک گفتند. یکی تماس تلفنی با خانه‌ام گرفت و گفت تو از امروز سلطان قلب‌های می‌ولی تا دیروز نبود. او یک کلمی بود. ولی حرف‌های این طرف نیخته بود. مثلاً یکی از پاریس زنگ زد و گفت عارف تو مجاهد شدی؟ این‌ها که اصلاً نه حرف را می‌گذارند و نه برمی‌دارند. ما باید ذره بین برداریم و همه را بررسی کنیم. نه تنها مجاهدین را بلکه همه را.

عارف در پاسخ تعدادی از شنوندگان گفت: «من اول گفتم مجاهد نیستیم. ما هیچکداممان نمی‌توانیم مجاهد باشیم، مجاهد جانش را می‌گذارد کف دستش و بمب می‌گذارد و می‌بندد دور خودش و آخوند را بغل می‌کند و منحرف می‌نماید. من با نفس اسلحه گرفتن مخالف هستم. اگر دموکراسی هست رژیم را باید رسوا کرد. مردم نیز باید از داخل بیا خیزند. بارها سازمان ملل از طریق همین مجاهدین رژیم را رسوا کرده‌است. مجاهدین می‌گویند این‌ها نتیجه نهایی را نمی‌دهد و با رژیم نمی‌شود بطور سالم‌آمیز رفتار کرد. با رژیم باید به زبان خودش برخورد کرد. مذهب ما در ایران اسلام است و اکثریت مردم هم گرفتار رژیم‌اند. شما نمی‌توانید مذهب را نادیده بگیرید. اگر مذهب را نفی کنید با اکثریت مردم مخالفت کرده‌اید. اگر مجاهدین سرکار بیایند به مذهب احترام می‌گذارند، نماز و روزه می‌گذارند، زنان‌شان روسری دارند.»

عارف در رابطه با جنجال سلطنت طلبان گفت: سال گذشته در بن برای فدائیان کسرت دادم، سال قبل برای ائتلاف چپ در سوئد. همه‌اش منتظر بودم جمهوری اسلامی یک چیزی بگوید که روزنامه کیهان مطلب خیلی کوچک نوشته این بار که برای شورای ملی مقاومت و جامعه متخصصین کسرت دادم برای عجیب بود. سروصدا از طرف رژیم نبود. سروصدا از طرف سلطنت طلبان بود به طرز خیلی عجیبی بود که چرا رفتی؟ و خیلی غیر دموکراسی رفتار کردی! غیر انسانی است! مثل این که به یک بچه کوچک بگویی خلاف خیلی بزرگ کرده‌ای. شما اول باید این جامعه متخصصین و این تشکیلات را بتوانی محکوم کنی، بعد به من بگویی چرا رفتی؟ نقیض

می‌کنند. من سال‌ها در لس‌آنجلس زندگی کردم و افتخار نواری با تیراژ ۶۵۰۰۰ تا را دارم ولی این مردم در لس‌آنجلس مرا نفهمیدند ولی در سوئد دوهزارتا دوهزارتا خریدند. حرف من با آقایان سلطنت طلب است که این طرف هستند، ایقدر متعصب هستند که حاضر نیستند حرف آدم را درست گوش بدهند. حرف را تحریف می‌کنند. آقایان گوشتان را باز کنید، یک روز می‌رسد که مثل تاریخی که ورق می‌خورد شما بازنده می‌شوید. می‌خواهم بگویم بنشینید و صحت کنید. حرف‌ها را از موضع مشت از همدیگر بشوید. با نهمت زدن و افترا زدن جز این که دشمن شاد شود و رژیم را خوشحال کنید نتیجه دیگری ندارد. این‌ها عده‌ای هستند مانند جامعه ایران با خطوط مختلف حرف‌ها را گوش می‌کنند. این‌ها دارند جان می‌دهند. این را که نمی‌شود منکرش. بچه‌هایشان را گذاشته‌اند در سوئد و رفته‌اند. مردشان و نشان جان‌شان را کف دست گذاشته‌اند، پس هدف و آرمان دارند. الکی که نیست پس بنشینیم ببینیم چه می‌گویند. - ببینید سلطنت طلب یک‌بار در زمان مصدق اشتباه خودش را کرد. دکتر محمد مصدق گفت از اعلحضرت اجازه می‌خواهم پایه‌های تخت و تاج ایشان را برشانه‌های خودش بنا کند. این کار نشد. مصدق محاکمه شد. صندلی خالی بیدادگاه لاهه همچنان هست دکتر مصدق دق کرد و مرد. این‌ها فاکت است. دقت کردید چه شد؟ حالا آن‌ها که سنگ مشروطه طلبی به سینه می‌زنند کدام مشروطه را می‌گویند؟ باید نشست و صحت کرد. « من تا به آخر هنرمند هستم، ایرانی هستم و حکومت مردمی را دوست دارم. بنابراین نه مجاهد هستم نه بیطرف هستم بی‌طرف خان است و نه سلطنت طلب هستم. نه چپ هستم. در حرکت براندازی رژیم با شما هستم.»

در پایان برنامه عارف گفت: ما بعد از این مراسم به این نتیجه رسیدیم که هنرمندان باید با هم متحد شویم و این کار را داریم می‌کنیم. شروع آن با آقای مرتضی برجسته، عمادرام و خانم الهه است. بر اساس آزادی حق و حقوق خودمان، و بر اساس کانون مرکزی برای هنرمندان حال اگر کسان دیگری هم ملحق شدند چه بهتر.

در تکثیر و توزیع آثار سازمان بگوئید

برخی از رویدادهای تاریخی

از صفحه ۱۲

۱۳۳۲/۲/۶ - شهادت افشارطوس رئیس شهربانی حکومت ملی دکتر مصدق بدست ایادی ارتجاع دربار پهلوی
 ۱۳۳۳/۲/۱۸ - شهادت انقلابی دلیر و ارطمان سالاخیان (سارلی) در زیر شکنجه‌های دژخیمان رژیم مزدور محمدرضا شاه
 ۱۳۳۳/۲/۲۲ - کشتار جمعی زندانیان سیاسی زندان رشت توسط مزدوران رژیم محمدرضا شاه و به شهادت رساندن محمدتقی اقدام دوست، علی بلندی، هرمز نیک‌راه، سیزعلی محمدپور، محمدتقی محبوب‌کار
 ۱۳۳۷/۲/۲۱ - شهادت انقلابی دلیر و فرزند قهرمان مردم ایران، خسرو روزه
 ۱۳۳۸/۲/۱۵ - درگذشت شاعر مبارز محمد علی افراشته
 ۱۳۴۰/۲/۱۲ - اعتصاب معلمان ایران و شهادت دکتر خانیلی (زورمطلب)
 ۱۳۴۷/۲/۱۲ - شهادت انقلابیون قهرمان، کاک اسماعیل شریف زاده و یارانش کاک حسین رحمانی، کاک علی عبدالله کول در مبارزه علیه رژیم محمدرضا شاه در کردستان ایران
 ۱۳۴۷/۲/۱۵ - شهادت فرزند قهرمان خلق کرد، سلیمان معینی و همسرش خلیل شه‌وناش به دستور ملامصطفی نازانی
 ۱۳۴۷/۲/۱۹ - شهادت شاعر مبارز و مردمی خلق کرد ملامحمد شلماشی (ملا آواره)
 ۱۳۵۰/۲/۸ - سرکوب اعتصاب و تظاهرات کارگران کارخانه جهان جیت توسط مزدوران رژیم محمدرضا شاه و شهادت سه کارگر قهرمان وحیه‌الله چشم‌افروز، حسن نیکوکار و علی کارگر. سرکوب کارگران منجر به زخمی شدن ۱۴ کارگر این کارخانه گردید.
 ۱۳۵۴/۲/۱۶ - به شهادت رسیدن مجاهد خلق مجید شریف واقعی بدست رهبان جریان آنا رشتی پیکار
 ۱۳۵۸/۲/۶ - دستگیری مجاهد خلق محمدرضا سعادت

۱۳۵۸/۲/۷ - راهپیمایی در تهران به دعوت مادران مجاهد خلق ناشوکت ۱۵۰ هزار نفر از مردم تهران
 ۱۳۵۸/۲/۱۲ - ترور آخوند مظهری توسط گروه فرقان
 ۱۳۵۹/۲/۱ - سرکوب جنبش دانشجویی توسط رژیم خمینی ناظر احی حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی تحت عنوان «انقلاب فرهنگی»
 ۱۳۵۹/۲/۱۴ - شهادت سیاوش شمس یکی از پرسنل مردمی ارتش به دست چماق‌داران و مزدوران خمینی در اصفهان
 ۱۳۶۰/۲/۳۰ - شهادت یکی از مادران مجاهد خلق به نام سکیه چاقوساز ایران در اثر ضرب و شتم چماق‌داران خمینی
 ۱۳۶۱/۲/۱۲ - شهادت مجاهدین قهرمان، محمدضابطی، نصرت رضایی، قاسم ناقزاده، حمیدجلال زاده، سوسن میرزایی، پری یوسفی، زکیه محدث، احمد کلاهدوز، هادی توانانیان فرد، حسین امیرپاهی، اقدس تقوی، امیرآق نانا
 ۱۳۶۱/۲/۱۹ - شهادت مجاهدین خلق، فاضل مصلحتی، حسین حلیلی پروانه، مهدی خانیالی، علی انگینی، حمید نولاجیان، حسین کلمتکچی، زهرا طباطبائی، بهرام قاسمی، زهرا شیخ الاسلام - در یک درگیری قهرمانانه با پاسداران سرکوبگر رژیم خمینی
 ۱۳۶۱/۲/۲۶ - شهادت مادر قهرمان مجاهد خلق، عالیه نازگان و حمی دیگر از رزمندگان مجاهد خلق
 ۱۳۶۱/۲/۲۷ - شهادت ۱۰ تن از کارمندان رادیو و تلویزیون ایران به جرم حمایت از مجاهدین خلق ایران
 ۱۳۶۱/۲/۲۸ - شهادت مبارز قهرمان کاک عبدالله بهرامی از اعضای کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران و حمی دیگر از هم‌زمانش
 روزهای تاریخی
 اول ماه مه برابر با ۱۱ اردیبهشت - روز همبستگی بین‌المللی کارگران
 ۱۲ اردیبهشت - روز معلم
 خارجی از ۲۱ آوریل تا ۲۱ مه
 ۵ مه ۱۹۱۸ - تولد بزرگ‌ترین اندیشمند تاریخ معاصر و

پایه‌گذار سوسیالیسم علمی، کارل مارکس
 ۱۸۷۰ - تولد نین
 ۱۸۸۶/۴/۱ - قیام کارگران شهر شیکاگو در آمریکا زیر شعار «۸ ساعت کار، ۸ ساعته استراحت»
 ۱۸۹۰/۴/۱۹ - تولد هوشی مین
 ۱۹۱۵/۴/۲۵ - قتل عام ۱/۵ میلیون از ارامه توسط رژیم توتن
 ۱۹۲۷/۵/۴ - آغاز مقاومت مسلحانه علیه امپریالیسم و ارتجاع در نیکاراگوئه به رهبری ساندینو
 ۱۹۳۸/۴/۲۱ - درگذشت علامه آقبال لاهوری
 ۱۹۴۵/۴/۳۰ - تصرف سای رایتستاک (مقر قانون‌گذاری هیتلر) توسط سربازان ارتش سرخ اتحاد شوروی
 ۱۹۴۵/۵/۸ - پایان جنگ جهانی دوم پس از شکست فاشیسم هیتلری و آزادی بسیاری از کشورهای از سلطه فاشیسم و محمله چک‌سلاواکی و آلمان شرقی
 ۱۹۴۸/۵/۱۵ - اشغال سرزمین فلسطین با یورش گسترده صهیونیست‌ها و پشتیبانی دولت انگلیس
 ۱۹۵۴/۵/۷ - آغاز نبرد دین‌بین‌فو و پیروزی ارتش آزادیبخش ویتنام در شمال این کشور
 ۱۹۶۵/۴/۲۸ - تجاوز آمریکا به جمهوری دومینیکن
 ۱۹۶۸/۵/۳ - آغاز جنبش مه ۶۸ فرانسه
 ۱۹۷۴/۴/۲۵ - انقلاب پرتغال
 ۱۹۷۵/۴/۳۰ - فتح سایگون و پیروزی انقلاب ویتنام
 ۱۹۷۸/۴/۲۷ - انجام کودتا در افغانستان
 ۱۹۸۰/۵/۱۸ - تاسیس جبهه دمکراتیک انقلابی السالوادور (فارا بوندومارتی)
 ۱۹۸۱/۵/۵ - شهادت بابی ساندز از رهبران آزادیخواه جنبش ایرلند، پس از اعتصاب غذای ۶۵ روزه در زندان



NABARD-E-KHALGH
 Organ of the organization
 of Iranian People's Fedaian Guerillas

N°:107 21 Apr 1994

Nabard B.P 20, 91350 Grigny Cedex France	Hoveyat P.O Box 1722 Chantilly, VA 22020 U.S.A
NABARD POSTFACH 102001 50460 KOLN GERMANY	Nabard Casella Postale, 307 65100 Pescara Italia
Hoviat Post Restante Mimers Gade 118 2200 <u>N</u> Danmark	Price: 6 F

با کمک های مالی خود سازمان را در انجام وظایف انقلابی یاری رسانید.

هم میهنان مبارز:

سازمان ما برای مبارزه علیه رژیم خمینی و در تلاش برای ایجاد ایران آزاد، مستقل و دمکراتیک به کمک های مالی شما، به هر میزان که باشد، نیازمند است. شما می‌توانید کمک های مالی خود را به حساب بانکی نبرد خلق واریز کنید و ما مستقیماً دست ما برسانید.

حساب بانکی نبرد خلق

نام بانک: SOCIETE GENERAL.....
 آدرس بانک: BOULOGNE-S-SEINE(FRANCE).....
 کد گیشه: 03760.....
 شماره حساب: 00050097851.....
 نام صاحب حساب: Mme. TALLAT R.T.....

اخبار و رویدادها.....

شورای ملی مقاومت

● دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران - پاریس - ۳۳/۱/۱ - آقای مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت ایران طی یک پیام رادیو و تلویزیونی به مردم ایران، فرارسیدن سال نوی ایرانی را به آنان تبریک گفت. وی سال ۷۲ را سال پیروزی‌های ملت ایران و سال افول همه جانبه دیکتاتوری ملایان دانست.

● ۵ فروردین ۷۳: آقای مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت ایران، از اجراح یک دیپلمات - تروریست رژیم خمینی از نوزد استنفال نمود و آن را گامی مثبت در راستای اعمال قاطعیت در مقابل تروریسم صادراتی رژیم ملایان توصیف کرد.

ترکیه

● رادبو فرانسه ۳۳/۱/۱ - وزیر کشور ترکیه امروز در بیانیه‌ای رسمی، از همتای ایرانی خود بشارتی به خاطر تحویل ۱۴ تن از شورشیان کرد ترکیه به نیروهای امنیتی دولت ترک سیاست‌گذاری کرد. از طرف دیگر وزیر کشور ترکیه در نامه‌ای تشکرآمیز خطاب به بشارتی اعلام کرده است اقدام دولت جمهوری اسلامی ایران منی بر تحویل مخالفین دولت ترکیه اقدامی عملی و باز در راه همکاری‌های مرزی دو کشوری باشد.

● روتر ۳۳/۱/۹ - روز چهارشنبه عضوین الملل اعلام کرد: صدها آواره و پناهنده سیاسی در ترکیه بدلیل سیاست‌هایش نسبت به آنان در معرض خطر هستند. این گروه حقوق بشری از ترکیه خواست به توافق‌های بین‌المللی در مورد آوارگان وفادار و حفاظت قانونی از آوارگان غیراروپایی را ادامه دهد. عضو بین‌الملل در اطلاعیه‌ای گفت: دولت ترکیه اعلام می‌کند التزامش فقط نسبت به اروپائیان است (مطابق متناق ۱۹۵۱ در مورد شرایط آوارگان، که اصل متناق مربوط به کسانی است که در نتیجه جنگ جهانی دوم آواره می‌گردند) ولی عضو بین‌الملل اعلام کرد فقط ۳ کشور از ۱۲۰ کشور طرفدار این متناق این محدودیت را دنبال می‌کنند. روتر می‌افزاید که این سازمان از سایر کشورها خواست که پناهندگان سیاسی غیراروپایی را به ترکیه بازنگردانند.

نروز

● ۲۲/اسفند/۷۲: انجمن ناشران نروز طی نامه‌یی به وزارت خارجه این کشور خواستار تحریم اقتصادی و قطع رابطه دیپلماتیک با رژیم خمینی گردید.

مراسم جشن نوروزی در پاریس

روز ۲ فروردین امسال، مراسم باشکوهی از طرف فارغ‌التحصیلان و متخصصین مقیم فرانسه (هوادار شورای ملی مقاومت ایران) در پاریس برگزار شد. در این مراسم هنرمندان ارزنده آقایان عمادرام و عارف و نیز گروه موسیقی اصیل ایرانی (استاد طاهرو کامیار) برنامه اجرا نمودند.

آقای عمادرام با اجرای ترانه‌های خاطره‌انگیز خود به این مراسم شورش‌فراز بسیار بخشید. پس از صرف شام، عارف خواننده سرشناس در میان ابواز احساسات بیش از ۹۰۰ نفر از حاضرین در سالن، ابتدا شعرا ایران همیشه ایران، مردم همیشه مردم، را دکلمه نمود. آقای عارف در طول برنامه خود بسیاری از آهنگ‌های قدیمی و جدید خود را اجرا نمود. آقای عارف ترانه سرود مرابوس را به یاد گل‌گلاب اجرا و در طول برنامه خود ضمن ستایش از گوگوش و سکوت پر معنی او، ترانه دو ماهی را اجرا کرد. عارف همچنین ضمن ستایش از احمد شاملو، شعردر این بن‌بست، او را به صورت ترانه اجرا نمود. برنامه نوروزی در پاریس تا پاسی از نیمه شب همراه با رقص و شادی شرکت‌کنندگان ادامه داشت و بالاخره برنامه با اجرای سرود ای ایران بوسیله عارف و همراهی شرکت‌کنندگان پایان یافت.

مصاحبه رادیویی در آمریکا با هنرمندان آقای عارف و خانم الهه

• عارف : « من ایرانی هستم و عاشق ایران و می‌خواهم به ایران برگردم. با چه کسی باید ایران را گرفته با کسانی که ۱۵ سال است اینجا نشسته‌اند و باد دل خودشان را می‌زنند. با این‌ها نمی‌شود ایران را گرفته این‌ها کسانی هستند که هر وقت باران می‌آید از خانه بیرون نمی‌آیند. »

• خانم الهه : « من در ۱۶ سالی که در غربت بودم، کسرت‌هایی به این زیبایی به این مرئی، واقف نمی‌تونم بکم، بسیار زیبا و عالی (بود). »

در صفحات ۴ و ۱۰

بیکار سازی، تعطیل مراکز صنعتی و رشوه خواری

در صفحه ۴



در برابر قنبر می‌ایستند
خانه را روشن می‌کنند
و می‌میرند

شهدای فدایی

اردیبهشت ماه

رفقای فدایی:

شیرین فصیلت کلام - هادی فرهاد پرتک -
عبدالله بچه شاهی - علی اکبر (فریدون) حمیری -
مرصه احمدی اسکویی - هیت الله بهرامی - کاظم
سعادت - خلیل سلمانی نژاد - محمود نمازی - لادن
آل آقا - مهربوش حانمی - محمدرضا واحمدرضا
قنبرپور - فرزاد دادگر - عزت غروی - ارزنگ و
ناصر شایگان نام آسی - فرهاد صدیقی پاشاکی -
قربانعلی زنگاری - جهانگیر باقرپور - رضانمندی -
بهروز ارمغانی - اسماعیل عابدی - زهره
مدیرشانه چی - حسین فاطمی - میترا بلبل صفت -
علیرضا باصری - نسرین بچه شاهی -
حیب‌الله موسوی - منصور فرشییدی -
محمود خرم‌آبادی - مصطفی حسن پوراصیل -
فریده غروی و مقصود بیروم زاده از سال ۵۰ تا کنون،
بدست رژیم‌های شاه و خمینی شهادت رسیدند.

برخی از رویدادهای تاریخی اردیبهشت ماه

۱۲۵۸/۲/۲۹ - تولد دکتر محمد مصدق رهبر
فئید حبیبی دمکراتیک مردم ایران برای ملی شدن
صنعت نفت در برابر کشور
۱۲۷۰/۲/۲۵ - لغو امتیاز تنساکو به دنبال اعتراضات
مردمی و تحریم استفاده از تنساکو توسط آیت‌الله
میرزا حسن شیرازی
۱۲۹۶/۲/۲۳ - تشکیل حزب عدالت ایران
۱۲۹۹/۲/۱۱ - انجام نخستین نمایش کارگری
در ایران به مناسبت اول ماه مه (در شهر تهران) به
ابتکار شورای مرکزی اتحادیه کارگران که از
۱۵ اتحادیه تشکیل می‌شد.
۱۳۰۸/۲/۱۴ - اعتصاب سه روزه نفتگران جنوب تحت
رهبری حزب کمونیست ایران و تظاهرات
۲۰ هزار نفری مردم در حمایت از اعتصاب نفتگران
۱۳۱۰/۲/۱۰ - اعتصاب کارگران کارخانه نساجی
وطن در تهران
۱۳۱۶/۲/۸ - بازداشت گروه ۵۳ نفر توسط رژیم
صدمردمی رضاخان
۱۳۲۳/۲/۱۱ - تشکیل شورای متحده مرکزی
اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان ایران
۱۳۲۵/۲/۲۰ - اعتصاب ۱۰ هزار نفری نفتگران
آغاخاری
۱۳۳۰/۲/۲ - اعتصاب کارگران نفت جنوب و اعلام
حکومت نظامی در منطقه جنوب از طرف حکومت شاه
۱۳۳۰/۲/۹ - تصویب قانون «خلع ید» از شرکت
نفت انگلیس در مجلس و تشکیل دولت مترقی
دکتر مصدق
در صفحه ۱۱